مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

دین، اسطوره، خرافه و جادو

قاسم اخوان نبوی

بسم الله الرحمن الرحیم

دین، اسطوره، خرافه و جادو

نویسنده:

قاسم اخوان نبوی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دین، اسطوره، خرافه و جادو

مشخصات کتاب

سرشناسه : اخوان نبوی، قاسم، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : دین، اسطوره، خرافه و جادو/قاسم اخوان نبوی ؛ مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : تهران: موسسه انتشارات کتاب نشر،مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما،۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : [۹۸]ص.

شابک : :۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۲۷-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۹۶ -[۹۸]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : دین پژوهی

موضوع : اسطوره

موضوع : خرافات

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BL ۴۸/الف۳د۹ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۰۰/۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۷۱۳۷۳

ص:۱

اشاره

دیباچه

دیباچه

اندیشه بشری همچون دیگر جنبه های روحی و جسمی او، رو به پویایی و پیشرفت و کمال است، ولی بشر امروز همانند بسیاری از گذشتگان اسیر عادت ها و تقلیدها و اسطوره ها گشته و ناشناخته ها را به شناخته قیاس می گیرد؛ آنچه را با ابزار حس درنمی یابد، انکار می کند. انسان پویایی فطری را غریزی می پندارد و اندیشه و فکر خود را محصور حصارِ ماده و طبیعت می داند و این چنین به تکامل می نگرد. در چنین فضایی، اندیشه های ناب مهم از سرچشمه جوشان وحی، مددرسان افسون شدگان بت های عادت و تقلید، اسطوره و عصبیت و جاهلیت نوین است؛ اندیشه ناب دینی که برگرفته از قرآن و هماهنگ با فطرت خدادادی انسان، یعنی «صراط مستقیم» است که خداوند آن را به بشر ارزانی کرده است.

ولی در جغرافیای گیتی چه بسیارند کسانی که فطرت خدادادی خویش را وا نهاده و در پی هوا و هوس، خرافه ها اسطوره ها و آیین های دست ساز بشری رفته اند. دستورات دینی را که سعادت آفرین است، به کناری نهاده و حتی گاه

به ستیزه جویی با آن برخاسته اند و به دنبال خاستگاه دین می گردند و آن را بی اساس می شمارند و در ردیف خرافه و اسطوره می پندارند. آنان می کوشند تا تمامی دین مداران را از «صراط مستقیم» بازدارند و آنان را به بی راهه بکشانند، نمونه بارز این تلاش های نامیمون، مبارزه با دین در غرب و سپس در شرق است.

امروزه با بررسی تحولات علمی، ادبی و فرهنگی غرب، پس از رنسانس تا قرن نوزدهم درمی یابیم که اندک اندک تفکر علم گرایی (سیانتسیم)، عقل گرایی محض (راسیونالیسم) و انسان محوری یا خود بنیادی بشر (امانیسم) به رهایی از دین انجامید و بدبینی به دین و برداشت های غلط از دین، علمکرد و کارکرد منفی دینِ کلیسایی، زمینه های دین ستیزی تا مرز دین زدایی را به وجود آورده است. فیلسوفانی چون هابز از سکولاریسم، یعنی بریدگی از دین به طور کامل سخن گفته اند و آن گاه با تحولات فکری و علمی در غرب؛ سکولاریسم تلطیف شد و به جدایی دین از حوزه اجتماع و حکومت و نهادهای اجتماعی محدود گشت و دین تنها در امور شخصی و فردی پذیرفته شد.

به تدریج نظریه پردازانی چون، روژه گارودی که نظریه های متضاد از حیث فلسفی، فلسفه سیاست و فلسفه تاریخ ارائه می دادند و در حقیقت، از بن بست تمدن غرب می گویند ـ آن سان که دیگران از به سر آمدن دوران دین در غرب پس از رنسانس دم می زدند ـ از دوران بازگشت به دین و معنویت در کنار علم و صنعت سخن به میان می آورند؛ یعنی اینک دین گریزی بی رویه جای خویش را به دین گرایی داده و این مهم در متن جامعه به خصوص توده های مردم و نسل جوان و برخی اندیشمندان غربی بیشتر محسوس است. البته جایگاه

سیاست مـداران سـلطه جو و هیئت حاکمه غرب در این زمینه کاملاً جدا است؛ علایمی چون برقراری کارگاه های علم و دین، گرایش به دین و متافیزیک، افزایش روحیه دعا و نیایش فردی و گروهی، گرایش به عرفان و اخلاق و... اگر چه انحرافاتی نیز در آنهـا هست، ولی بیـانگر سـرخوردگی غرب از گذشـته خویش است. کتـاب حاضـر که با تلاش پژوهشـگر ارجمنـد حجت الاسلام والمسلمین آقای قاسم اخوان نبوی نگاشته شده، در پی آن است که تعریفی از دین، خرافه و جادو و اسطوره، به دست دهـد و به ویژگی های هر کـدام از آنها بپردازد. در ادامه به نظریه دین ستیزانه اندیشـمندان غربی در زمینه دین و پی آمـدهای منفی آن پرداخته شـده و دیدگاه دانشـمندان اسـلامی بر اساس آیات و روایات بررسـی شده است. در پایان نیز نقش رسانه در پیـدایش خرافه و اسـطوره سازی و چگونگی رویارویی با آن بررسـی شـده است. امیـد که برنامه سازان و برنامه ریزان ارجمند صدا و سیما را به کار آید.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

یکی از ابعاد وجودی و از جمله تجلیّات روح آدمی، حسّ پرستش و نیایش است. مطالعه تاریخ زندگی بشر نشان می دهد که هر زمان و هر کجا که انسانی بوده، نیایش و پرستش هم وجود داشته و تفاوت، تنها در شیوه عبادت و شخص معبود بوده است؛ یعنی از نظر شکل و شیوه، از رقص ها و حرکت های دسته جمعی موزونِ همراه با یک سلسله اذکار و اوراد تا عالی ترین خضوع ها و خشوع ها را در برمی گیرد و از نظر معبود، شامل سنگ و چوب تا ذات الهی ازلی ابدیِ منزّه از زمان و مکان است. البته به یقین می دانیم که پیامبران پرستش را نیاورده اند، بلکه نوع پرستش؛ یعنی نوع آداب و اعمال را که باید پرستش به آن شکل صورت بگیرد، به بشر آموخته و از پرستش غیر از خداوند متعال بازداشته اند. براساس برخی از آیات قرآنی که بعضی دین پژوهی ها نیز آن را تأیید می کنند، بشر ابتدا یکتاپرست بوده و پرستش بت، ماه، ستاره یا انسان، از نوع انحراف هایی است که به تدریج به وجود آمده

است.(۱)

ساختن قهرمان های افسانه ای از پهلوانان و دانشمندان، معلول حس تقدیس بشر است که می خواهد موجودی قابل ستایش و تقدیس داشته باشد و او را عاشقانه و در حد مافوق طبیعی ستایش کند. ستایش مبالغه آمیز بشرِ امروز از قهرمان های حزبی یا ملّی، دم زدن از پرستش حزب، مرام، مسلک، پرچم، آب و خاک و احساس میل به فداکاری در راه اینها، همه معلول این حس است. به عبارت دیگر، احساس نیایش، احساسی غریزی است به کمالی برتر که در او نقصی نیست و جمالی که در آن زشتی وجود ندارد. پرستش مخلوقات و رو آوردن به خرافه و جادو، نوعی انحراف این حس از مسیر اصلی است؛ زیرا انسان، هنگام پرستش می خواهد از وجود محدود خویش، پرواز کند و به حقیقتی بپیوندد که کاستی، فنا و محدودیت در آن راه ندارد.(۲)

بر اساس آنچه گذشت، برای بررسی موضوع دین، اسطوره، خرافه و جادو و اینکه چرا برخی، ریشه و خاستگاه دین را در اسطوره ها و خرافه های اقوام گذشته جست و جو می کنند یا اینکه در گروهی از اقوام و طایفه ها، برخی باورهای خرافی، رنگ دینی به خود گرفته و به شکل آداب و رسوم دینی در آمده است، ابتدا باید هر یک از این واژه ها را تعریف کنیم. سپس با بیان تفاوت هر یک از این مفاهیم به بررسی و نقد دیدگاه های موجود در این زمینه

۱- علی رضا قایمی نیا، درآمدی بر منشأ دین، تهران، انتشارات معارف، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۴۰.

۲- مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۴، مباحث انسان در قرآن، ص ۲۶.

می پردازیم. آن گاه این آیات و روایات را از دیدگاه اندیشمندان اسلامی ــ که آن هم مبتنی بر آیات قرآنی است ــ بررسی خواهیم کرد و در پایان، راهکارهای فرهنگی، اجتماعی و تبلیغی برای زدودن باورهای خرافی و اسطوره زدایی از عقاید و آداب و رسوم دینی مردم ارائه می شود.

بخش اول: کلیّات

اشاره

بخش اول: کلیّات

زیر فصل ها

فصل اول: اصطلاح شناسی

اشاره

فصل اول: اصطلاح شناسی

زیر فصل ها

۱. تعریف دین

۲. تعریف اسطوره

۳. تعریف خرافه، جادو و توتم پرستی (فینتیش)

۱. تعریف دین

۱. تعریف دین

در علم دین شناسی، تعریف های گوناگونی از «دین» شده است. واژه «دین» در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله «جزا» و «اطاعت» و در استعاره، به معنای «شریعت» نیز به کار رفته است.(۱) تعریف هایی که برای دین ارائه شده است، تفاوت های اساسی با یکدیگر دارند؛ برخی از آنها چنان گسترده اند که آیین هایی را که در آن حتی اعتقاد به وجود خداوند مطرح نیست، مانند بودیسم، یا آیین هایی را که مبتنی بر ماده انگاری است، در بر می گیرد. برخی دیگر، آن را چنان محدود تعریف کرده اند که صرفاً به یک دین اختصاص یافته است. از آنجا که طرح تعریف های ارائه شده و بررسی آنها در این مسئله ضروری نیست، در اینجا تنها به بیان منظور از دین در این پژوهش می پردازیم.

مقصود از دین، شریعه ها و آیین های الهی است که منشأ آنها، وحی خداوند بر پیامبران بوده و رفتارهایی را که در رسیدن انسان ها به سوی کمال و سعادت حقیقی مؤثر است، توصیه می کند. از آنجا که ادیان الهی به جز دین اسلام دستخوش تحریف شده اند، تنها دین اسلام این ویژگی را حفظ کرده است. بر اساس این تعریف، دین شامل سه رکن اعتقادات، اخلاق و احکام است. در بخش اعتقادات، دین سه اصل اساسی دارد: اعتقاد به خداوند، اعتقاد به معاد و اعتقاد به بعثت پیامبران برای هدایت انسان به سوی کمال نهایی و رساندن

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳۳.

انسـان به سـعادت دنیـا و آخرت. البته براسـاس روایات، محتوای دین اسـلام مجموعه ای از عقایـد و احکام است که در بخش مربوط به دین از دیدگاه آیات و روایات، به بعضی از روایاتی که در این باره موجود است، اشاره خواهد شد.(۱)

۲. تعریف اسطوره

۲. تعریف اسطوره

اسطوره، دو معنا دارد: در یک معنا به داستان های کنایی گفته می شود و در معنای دیگر مبتنی بر اصطلاح قرآنی است که در آن، به افسانه های موهوم، اسطوره می گویند و برخی اندیشمندان غربی نیز آن را به همین معنا تعریف کرده اند. «در بادی امر این طور به نظر می آید که اساطیر، انبوهی مشوّش و توده ای بی شکل از اندیشه های بی ربط و تناسب هستند و فکر کردن در جهان و علل آنها، اقدامی عبث و بیهوده تلقی می گردد. اگر می بایست اسطوره را به صفتی موصوف نمود، صفت «بی ربط و یاوه» مناسب است.»(۲)

مراد از اسـطوره در این پژوهش، معنـای دوم آن؛ یعنی امـور افسـانه ای وموهوم است، نه معنـای اول که داسـتان هـایی است با رنگ دینی که امور اخلاقی و تربیتی را به صورت کنایی و تمثیلی بیان می کند. برای مثال، از

۱- محمد حسین زاده، مبانی معرفت دینی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹، چ ۱، صص ۲ ـ ۴.

۲- ارنست کاسیرو، فلسفه و فرهنگ، فصل ۷.

نظر دین شناسان، داستان آفرینش آدم و حوا یا هبوط آدم و داستان هایی از این قبیل، بُعد اسطوره ای دین را تشکیل می دهند.(۱)

۳. تعریف خرافه، جادو و توتم پرستی (فینتیش)

۳. تعریف خرافه، جادو و توتم پرستی (فینتیش)

الف) خرافه: خرافه، یعنی رویدادهایی را که انتظار نداشته ایم رخ دهند، به پدیده هایی نسبت دهیم که هیچ رابطه منطقی میان آنها یافت نمی شود، مثل اینکه گمان کنیم گذشتن از زیر نردبان، سبب بروز فلان حادثه رانندگی چند روز پس از آن می شود. یا دیدن گربه سیاه، شکستن آینه و نشستن سیزده نفر گرد یک میز را از رویدادهای بدشگون به شمار آوریم، در صورتی که این رویدادها، هیچ اثری بر هیچ چیز دیگر ندارد.(۲)

ب) جادو: جادو عبارت است از دگرگون کردن جریان های طبیعی همچون به دست آوردن مال، قدرت، بارش باران و مانند اینها. جادوگری هم شیوه ای است که در آن، چشم بندی و تردستی در پوششی رازآمیز به کار بسته شده و به طور کلی با علم ناسازگار است. دانشمند هر چه انجام می دهد، با تکیه بر قوانین طبیعت است، ولی جادوگر، ادعای نادیده گرفتن قوانین طبیعت را

۱- ابوالقاسم فنایی، در آمدی بر فلسفه دین و کلام جدید، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در دانشگاه ها، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۵۸.

۲- میشل مالرب، انسان و ادیان، مترجم: مهران توکلی، ص ۲۹۱.

دارد.(۱)

ج) توتم پرستی: واژه توتم در اصل در میان قبایل سرخ پوست امریکای شمالی پدید آمد، ولی اکنون به گونه ای فراگیر در مورد انواع حیوانات یا گیاهانی به کار برده می شود که گمان می رود قدرت های فرا طبیعی دارند. هر گروه خویشاوندی یا کلان در متن یک جامعه، توتم ویژه خود را دارد که فعالیت ها و شعائر مختلفی با آن در ارتباط است.(۲) به طور کلی، توتم پرستی عبارت است از ارتباط با موجودات جان دار و بی جانی که در محیط زندگی قبایل ابتدایی وجود داشته است.

فصل دوم: ویژگی های دین، اسطوره، خرافه و جادو

اشاره

فصل دوم: ویژگی های دین، اسطوره، خرافه و جادو

هر یک از مفاهیم دین، اسطوره، خرافه و جادو، ویژگی هایی دارند که با بیان ویژگی های هر یک، وجود برخی نمادهای اسطوره ای و خرافی در دین را نیز بررسی می کنیم.

۱. ویژگی های دین

۱. ویژگی های دین

۱- میشل مالرب، انسان و ادیان، مترجم: مهران توکلی، ص ۲۹۰.

۲- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ص ۴۹۷؛ لوی استروس، توتمیسم، ص ۴۰.

بر اساس تعریف متون دینی، از نظر محتوا، دین در بردارنده سه بخش: اعتقادات، اخلاق و احکام است. دین در بخش اعتقادات نیز مبتنی بر سه اصل: اعتقاد به خدای یگانه، اعتقاد به معاد و اعتقاد به بعثت پیامبران برای هدایت انسان به کمال نهایی و دست یابی وی به سعادت دنیا و آخرت است. به عبارت دیگر، دین از دو بخش تشکیل شده است: یکی، عقاید که در حکم پایه ها و شالوده های آن است و دیگری، دستورهای عملی که متناسب با آن پایه ها و مبانی عقیدتی و مبتنی بر آنها است. ویژگی دیگر دین، مطابق با واقع بودن این عقاید است؛ یعنی جهان بینیِ دین، از عالم واقع گرفته شده است که یافته های عقلانی نیز آن را تأیید می کند.

۲. ویژگی های اسطوره و تفاوت آن با دین

۲. ویژگی های اسطوره و تفاوت آن با دین

براساس دو معنایی که از اسطوره گفته شد، ویژگی آن به دو دسته تقسیم می شود: یکی براساس اصطلاحی که در قرآن به کار برده می شود که در این صورت، ویژگی اسطوره، افسانه ای بودن و داستان های موهوم تخیّلی است که ریشه منطقی و عقلانی ندارد، ولی اگر اسطوره را به معنای داستان های کنایی و تمثیلی در نظر بگیریم، در حقیقت، نوعی بیان واقعیت است و از اموری که در عالم واقع وجود دارد، حکایت می کند.

به عبارت دیگر، اسطوره ها جنبه نمادین دارند؛ یعنی مبتنی بر این اصل هستند که اشیای معیّنی، کیفیات و اوصاف مشترکی دارند که از راه آنها، ما را به سوی چیز دیگری هدایت می کنند؛ البته نمادهایی هستند که در جامه گفتار و نقل در آمده اند. ازاین رو، اسطوره، داستانی درباره خدایان، پیشینیان، قهرمانان و جهانِ فرا طبیعی آنان است. به طور کلی، ذهن انسان، موجود برتر را در قالب

افسانه ها و داستان ها و تشبیهاتی به عالم انسان ها بیان می کند و در حقیقت، اسطوره سازی محصول قوه خیال است. بنابراین، تفاوت آن با دین، در معقول بودن اعتقاد دینی و خرافی و غیرمعقول بودن اعتقاد اسطوره ای است. به عبارت بهتر، اعتقاد دینی پرورده تأملات عقلانی و نظری است که عقل تسلیم آنها می شود، ولی اعتقاد اسطوره ای، محصول قوه خیال است.

۳. ویژگی های خرافه، جادو و توتم پرستی و تفاوت آنها با دین

۳. ویژگی های خرافه، جادو و توتم پرستی و تفاوت آنها با دین

در میان قبایل ابتدایی، جادو نوعی همدلی با طبیعت بود؛ زیرا انسان های ابتدایی فکر می کردند که از راه جادو می توانند به طور درونی و ذهنی با طبیعت همدلی داشته باشند. آنها گمان می کردند که با جادو می توان شرایط فیزیکی را به سود خود تغییر داد. در حقیقت، جادو نخستین تلاشی است که انسان برای تغییر دادن شرایط طبیعی به سود خود انجام می دهد. عمل جادو بر این پیش فرض مبتنی است که با انجام دادن اعمال خاصی، حوادث طبیعی معیّنی انجام می گیرد. در واقع، مبادی جادو، خیالی و مبتنی بر تخیلات بشر ابتدایی است. همچنین در امور خرافی و توتم پرستی، این پیش فرض را باید در نظر گرفت که مبادی آنها، بر اساس خیال بوده و در عقلانیت و امور واقعی و حقیقی ریشه ندارد. پس بر اساس امور خرافی و جادوگری و توتم پرستی، تبیین وقایع و حوادثی که رخ می دهد، هیچ ریشه علمی و عقلانی ندارد. این در صورتی است که تبیین دین از وقایع و حوادث، مبتنی بر عقل و اصول علمی است.

۴. نمادهای اسطوره ای در دین

۴. نمادهای اسطوره ای در دین

اگر اسطوره را به معنای داستان های کنایی و تمثیلی معنا کنیم که بیانگر دستورهای تربیتی و اخلاقی است، هیچ دینی خالی از اسطوره نیست و به قول میشل ما لرب:

در عمل، همه دین ها یک افسانه طلایی دارند که انباشته از روایت رویدادهای شگفت انگیز ــ خواه تاریخی و غیر تاریخی ــ هستند و با آرمان های زندگانی درآمیخته اند تا در نهاد پیروان دین جای گیر شوند.(۱)

مسیحیتِ سده های میانه، انباشته بود از کشف و کرامات خیالی که به قدّیسان ــ زنده یا مرده ــ نسبت می دادند و برخی از آداب و عادات کنونی ما هنوز با همان افسانه آمیخته است: در اسلام نیز عبادت های توده ای با باور داشتن به داستان های خیالی و شگفت انگیز همراهند و بسیاری از اسطوره های تورات، در قرآن آورده شده است تا برسد به آبستن شدن مریم باکره. خود محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل را می بیند که برگزیده شدن او را به پیامبری از سوی خدا پیام می آورد. پس از آن، محمد صلی الله علیه و آله به آسمان ها برده می شود تا عرش اعلی را سیر کند. در دوران کودکی، کارهای معجزه آسا همچون درمان بیماران با پا در میانی رابط های قدسی را مسلمانان بسیار باور دارند.(۲)

همچنین در انجیل، داستان های معجزه آسا فراوان است، به ویژه معجزه هایی

۱- انسان و ادیان، ص ۲۸۶.

۲- انسان و ادیان، ص ۲۸۶.

که از عیسی علیه السلام سر زده است، مانند: بدل کردن آب به شراب، چند برابر کردن تعداد نان ها و ماهی ها، راه رفتن روی آب، فرو نشاندن توفان، درمان بیماران زیادی از جمله نابینایان و زمین گیران و برترین همه معجزه ها، رستاخیز خود عیسی مسیح علیه السلام است و به دنبال آن، چهل روز زندگانی برون زمینی او و در پایان آن، بر آمدنش به آسمان ها.(۱)

البته این داستان ها به پیامبران مربوط نیست و در مورد برخی از عالمان دینی نیز داستان هایی در کرامت های ایشان نقل شده است که شاید برخی از این داستان ها هیچ اصل و اساس واقعی نداشته باشد.

۵. بررسی وجود خرافه ها، جادو و توتم پرستی در باورهای دینی مردم

۵. بررسی وجود خرافه ها، جادو و توتم پرستی در باورهای دینی مردم

خرافه و جادو در میان اقوام گوناگون وجود دارد که با عقاید مذهبی درآمیخته است. به عنوان نمونه، مراسمی مانند کف بینی، آینه بینی، گره گشایی و...، دارای آدابی همچون ذکر وردها و کلمه هایی است که ظاهرا خاصیت جادویی دارند و تلفیق آیات قرآن با این اعمال، می تواند نشانگر نوعی ترکیب عقاید مردم با مذهب باشد. همین گونه است مراسم سفره انداختن که در آن، با قرار دادن وسایل خاصی روی یک تکّه پارچه سفید و ذکر اورادی خاص، به اصطلاح به گره گشایی و شکستن طلسم می پردازند. گفتنی است در بعضی مناطق ایران، سفره انداختن با مراسمی همراه است که در آن، با موجودات

۱- انسان و ادیان، ص ۲۸۶.

اثیری و غیرمادّی مانند اجنّه وارواح نیک و بد سروکار دارند. برای نمونه، در سفره ای که برای درمان بیمار در سواحل جنوبی ایران انـداخته می شود، انواع غذاها و گیاهان معطر و خرما و گوشت را می گذارند. همچنین تشتی را از خونِ حیوان قربانی پر می کننـد که پس از مراسم سـفره، به زمین ریخته می شـود. سـفره دیگری هم هست که چهـار شـمع روشن، چهـار مهر نمـاز، خـاک مهر، کـاسه پر از آب، عود و چـاقویی بـا تیغه آهنین را در آن می گذارنـد. وجود آب، شـمع روشن، مُهر و خـاک مهر نماز، کنایه از سه عنصر از عناصر چهارگانه طبیعت؛ یعنی آب، آتش و خاک است. بوی عود، ظاهراً در مورد موجودات اثیری مؤثر است و چاقوی دارای تیغه آهنین برای دفع شر اجنه خبیث به کار می رود.

یکی دیگر از امور خرافی رایـج در میان مردم، نحسی عـدد سیزده به ویژه روز سیزدهم فروردین است که برای از میان بردن نحسـی آن، برای گردش و تفریـح به کـوه و صـحرا می رونـد. افزون بر آن، سبزه ای را که از جوانه گنـدم یـا دیگر حبوبـات پرورش داده اند، از خانه بیرون می اندازند؛ یعنی با این کار می خواهند نحسی این روز را بر طرف کنند. همچنین در این روز، بـا گره زدن سبزه هـا به یکـدیگر، از کـار خود گره گشایی می کننـد یا دیـدن گربه سـیاه و شکسـتن آینه را نحس می داننـد. همچنین تزیین سـفره هفت سـین پیش از تحویل سال، یکی دیگر از رسوم قـدیمی است. عـدد هفت از قدیم مقدس بوده و در دین زرتشت به هفت امشاسپندان یا بزرگ ترین فرشتگان مزدیسنا اشاره شده است. در ایران قدیم برای توصیف هر زیبایی می گفتند آن را هفت چین کردیم که پس از تسلط اعراب به هفت سین تبدیل شد و هر کدام نماد یک مفهوم

است.

۶. بررسی جایگاه دین در میان مردم

۶. بررسی جایگاه دین در میان مردم

می توان جایگاه دین را در میان مردم، از جنبه های جامعه شناختی و روان شناختی مطالعه و بررسی کرد. اندیشمندان غربی هم در آثار خود، جایگاه دین، را از این دو جنبه در میان مردم بررسی و درباره کارکرد دین در جوامع انسانی، به اموری اشاره کرده اند که در اینجا به طور مختصر با آنها آشنا می شویم:

الف) ادیان الهی و آسمانی در ترویج فضایل، آرمان ها و ویژگی های نیکو، نقش مؤثری داشته اند. اسپنسر در این باره می گوید: «بیان آداب و فضایل جوامع که پایه تمدن آنهاست، ناشی از دین است.»(۱)

ب) خرافه، بزرگ ترین مانع رشد و تکامل و ترقی انسان هاست که زدودن آنها بسیار مشکل بوده و فقط به دست دین امکان پذیر است.(۲)

ج) عقاید و باورهای دینی، پشتوانه و ضامن اجرایی اخلاق هستند. افزون بر اینکه دین، در پیدا کردن هویت اخلاقی به افراد یاری می رساند.(۳)

۱- شیخ محمد عبده، المنار، تقریر رشید الرضا، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲- فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۰۸۵؛ المیزان، ج ۴، صص ۴ و ۲۲۴.

۳- ساموئل کینگ، جامعه شناسی، مترجم: شفق همدانی، ص ۱۲۹.

د) اعتراض به وضع موجود و دعوت به وضع مطلوب یکی دیگر از کارکردهای دین به شمار می رود. برخی از نویسندگان غربی در این باره می گویند که: «دین می تواند به عنوان یک نیروی کارساز، مردم را برای جست و جوی تغییر یا اعتراض علیه نظم موجود بسیج کند. در اینجا هم دین نقش وحدت دهنده را ایفا می کند، ولی در جبهه مخالف... پیامبران از طریق اعمال یا اصول اخلاقی شان، دین و آیین رسمی را به مبارزه می طلبند و سامان مذهبی نوینی را برپا می دارند.»(۱)

ه) معنادار کردن زندگی، یکی از مهم ترین شاخه های مهم روان درمانی است که به عنوان «معنا درمانی» مطرح است. اهمیت این مطلب از آنجاست که زندگی ما، منحصر به حیات بیولوژیک نیست و برای اینکه از حیات خود بهره مند شویم و حقیقت زندگی را دریابیم، باید از پوچی دوری کنیم و این امر میسر نیست، مگر اینکه به پرسش های اساسی درباره هدف زندگی پاسخ داده شود. دین به این پرسش های سرنوشت ساز پاسخ می دهد و تاریکی ها و ابهام های زندگی را می زداید.(۲)

برخی از اندیشمندان به جایگاه ویژه باورهای مذهبی و دین باوری توجه

۱- سایمون کولمن و هان واتسون، درآمدی بر انسان شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، نشر سیمرغ، صص ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- عبدالحسین خسروپناه، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۲۵۶.

گسترده ای کرده انـد و به نقش کـاربردی این اعتقـادات در بازسـازی و بهسـازی جـامعه جهانی و تأمین نیازهای اولیه و ثانویه زنـدگی بشـر عنایت دارنـد. آنها حتی به نقش دین در زمینه کنترل آثار منفی توسـعه اقتصادی توجه داشـته اند. به همین دلیل، برخی صاحب نظران با اعتراف به نقش ارزش های معنوی و دینی در تحصـیل و رشـد علمی دانشـجویان می گویند انسانی که به باورهـای دینی گرایش دارد، از نظر جسـمی و روانی سالم تر است. برخی نیز بر این باورنـد که مـذهب، باعث پدیـد آمـدن پرسش های بسیاری در حوزه های مختلف علوم گشته و پایه های طب و علم را پی نهاده است.(۱)

از جمله نقش های دین که اندیشـمندان مسـلمان هم به آن اشاره کرده انـد، رهایی انسان از بردگی و اسارت است و در دنیای کنونی که انسـان گرفتـار انواع اسـارت هـای ظـاهری و باطنی است، بیش از پیش، به آزادگی و دین آزادگان نیاز دارد.(۲) به عبارت دیگر، دین، انسان ها را از عقاید خرافی که موجب انحراف انسان ها از مسـیر کمال و سعادت می شود، نجات می دهد و به بشر، آزادی معنوی می بخشد.

براسـاس آنچه گـذشت، نقش و جایگاه بی بـدیل دین در عرصه رفتار اجتماعی و باورهای مردم روشن می گردد. پس در می یابیم که امور خرافی و

۱- ژولین فروند، جامعه شناسی ماکس وبر، ص ۱۹۱؛ کلام جدید، ص ۲۶۸.

۲- مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چ ۱۲، ج ۱، ص ۳۳.

اسطوره ای و توتم هایی که در برخی از جوامع مورد پرستش قرار می گیرند، نمی تواند جای گزین آن بشود. یا اینکه برخی از اندیشمندان غربی مانند دورکیم گمان کرده اند که اصل و ریشه اعتقادهای دینی، در امور توتمی یا اسطوره ای است، پژوهش های جامعه شناسان و روان شناسان، ادعای این گروه از دانشمندان را رد کرده، و نقش بی بدیل دین را در فرهنگ و تمدن جوامع بشری نمایانده است. در بخش بعد، نظریه های این دو گروه از اندیشمندان به طور خلاصه نقد می شود.

بخش دوم: رویکرد به دین، خرافه و توتم پرستی

اشاره

بخش دوم: رویکرد به دین، خرافه و توتم پرستی

آنچه در این فصل مطرح می گردد، مهم ترین نظریه هایی است که در مورد علت ها و انگیزه های رویکرد مردم به اعتقادهای دینی یا خرافی و توتم پرستی و اندیشه های اسطوره ای مطرح شده است. در این زمینه، یک گروه از صاحب نظران، منکر جنبه الهی برای اعتقادهای دینی هستند. این دسته، علل و ریشه این گونه اعتقادها را از جنبه جامعه شناسی، روان شناسی و پدیدارشناسی تحلیل می کنند. گروهی دیگر که جنبه الهی برای باورهای دینی قائلند و به اصطلاح، الهی هستند، علل و ریشه های باورهای دینی را از جنبه روان شناسی مورد مطالعه قرار می دهند.(۱) در این فصل، ابتدا به بیان نظریه های این دو گروه می پردازیم. سپس آنها را بر اساس مبانی اسلامی نقد می کنیم.

فصل اول: دیدگاه های اندیشمندان درباره دین، اسطوره، خرافه و جادو

اشاره

فصل اول: دیدگاه های اندیشمندان درباره دین، اسطوره، خرافه و جادو

زیر فصل ها

۱. دیدگاه های جامعه شناختی

۲. دیدگاه روان شناسان

۳. دیدگاه متکلمان خدا باور

۱. دیدگاه های جامعه شناختی

اشاره

۱. دیدگاه های جامعه شناختی

زیر فصل ها

الف) دیدگاه آگوست کنت

ب) دیدگاه ماکس مولر (طبیعت پرستی)

ج) دیدگاه فریزر

د) دیدگاه مارت

ه .) دیدگاه توتم گرایی

و) دیدگاه اندرولانگ

الف) دیدگاه آگوست کنت

الف) دیدگاه آگوست کنت

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: در آمدی بر منشأ دین.

آگوست کنت (۱۷۹۸ _ ۱۸۵۷) فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی است که او را از بنیان گذاران جامعه شناسی جدید و فلسفه پوزیتیویسم می داننـد. براساس دیدگاه او، ذهن انسان در روند تکامل خود، از سه مرحله عبور کرده است: مرحله الهی، مرحله مابعد الطبیعی و مرحله اثباتی.

انسان در مرحله الهی، پدیده ها را به نیروهایی همانند خود نسبت می دهد. به اعتقاد کنت، این مرحله خود به سه دوره تقسیم می شود:

۱. آنیمیسم یا جان دارانگاری: در این دوره، انسان برای همه اشیای جان دار و بی جان، شخصیتی همانند خود قایل می شود و در اعتقاد او، درخت ها و سنگ ها و حیوانات، همگی همچون انسان دارای درک و اراده و حبّ و بغض و دیگر ویژگی های انسانی هستند. جهان نیز قابل فهم است و پُر از موجوداتی انسان وار تلقی می گردد.

۲. دوره چند خدایی یا شرک: در این دوره، ارواح و نیروهای نوعی، جانشین ارواح شخصی می شوند که در خارج از موجودات قرار دارند و آنها را اداره و تدبیر می کنند.

۳. دوره یکتاپرستی: ویژگی این دوره، ظهور ادیان بزرگ است.

در مرحله مابعدالطبیعی، مفاهیم عام و انتزاعی فلسفی به جای خدا یا خدایان متشخص می نشینند و امور جهان به واقعیت هایی مثل علة العلل، محرک اول، عقول گوناگون، مجردات و امور معقول دیگر نسبت داده می شود.

در مرحله اثباتی یا پوزیتیویسم که مرحله نهایی تحول ذهن یا اندیشه علمی است، انسان به این اکتفا می کند که نمودها را مشاهده و وابستگی های منظمی

را که ممکن است خواه در لحظه ای معیّن و خواه در طی زمان میان آنها یافت شود، تعیین کند. انسان در این مرحله، از کشف علت های پدیده ها چشم می پوشد و به شناخت و بررسی قوانین حاکم بر پدیده ها بسنده می کند.(۱)

مهم ترین اشکال دیدگاه کنت این است که مراحل سه گانه تکامل ذهن به شکلی که او مطرح کرده، بر همه جوامع تطبیق پذیر نیست. همچنین رویکرد انسان معاصر به اندیشه دینی و ارزش گذاری به مفاهیم ما بعد الطبیعی و تجربه های دینی در پایان قرن بیستم، درست نبودن نظریه کنت را آشکار می کند؛ زیرا این امر، در میان گروه وسیعی از صاحب نظران علوم جدید و در اوج رشد علوم تجربی در این قرن اتفاق می افتد.

ب) دیدگاه ماکس مولر (طبیعت پرستی)

ب) دیدگاه ماکس مولر (طبیعت پرستی)

براساس طبیعت پرستی، دین حقیقتی تجربی است؛ بدین معنا که مفاهیم دین هم از تجربه های حسی گرفته شده اند. مولر این نکته را با توسل به نام خدایان توضیح می دهد و می گوید: نام های خدایان ابتدایی، از پدیده های طبیعی مانند خورشید و ستارگان گرفته شده است. براساس این نظریه، بشر ابتدایی، نخست پدیده های طبیعی را می پرستید. اوج فکر دینی بشر، رسیدن به مفهوم نامتناهی است. بشر به طور فطری نامتناهی را درمی یابد و در پرتو همین مفهوم نامتناهی، مفهوم پیچیده خدا را به دست می آورد. به نظر مولر که

۱- ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، مترجم: باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۸۶.

پژوهش های خود را در زبان های هند و اروپایی، به عنوان مؤید نظریه اش بیان می کند، با بررسی این زبان ها، ویژگی های زبان ابتدایی بشر معلوم می شود و در می یابیم که انسان های ابتدایی، نام های افعال خود را برای پدیده های طبیعی به کار برده است و به تدریج، معانی مجازی را به مثابه معانی حقیقی انگاشته اند.(۱)

ج) دیدگاه فریزر

ج) دیدگاه فریزر

پیدایش دین از نظر فریزر، معلول کوشش بشر برای تبیین حوادث طبیعی است. بشر ابتدایی می خواست جهان و حوادث آن را تبیین و از این راه، طبیعت را مهار کند. جادو، نخستین راه حل بشر بود که به ناکامی انجامید. با از میان رفتن اعتقاد بشر به جادو، مفهوم خدایان آشکار شد و با جادو درآمیخت و به تدریج، شکل پیچیده ای به خود گرفت. همان گونه که عصر جادو جای خود را به عصر دین داد، عصر دین هم جایش را به عصر علم می دهد و به همان شیوه که دین مبادی جادو را درهم ریخت، علم هم مبادی دین را رد می کند. جادو مبتنی بر اصول کلی، نقض ناپذیر و غیرشخصی است، ولی دین بر وجود ارواح شخصی استوار است. علم هم وجود موجودات مجرد را نفی می کند و هم باور به موجودات مجرد را از بین می برد. بشر دیگر با جادو یا دین، جهان را تبیین نمی کند و تبیین جهان به عهده علم می افتد؛ زیرا علم،

۱- درآمدی بر منشأ دین، نک: ص ۹۰؛ علی سامی النشار، منشألدین، مرکز الانماء الحضاری، ۱۹۹۵، چ ۱، صص ۶۸ _ ۷۷.

قوانین حقیقی جهان را کشف می کند. به نظر فریزر، علم همان جادوی بدون خطا و اشتباه است.(۱)

د) دیدگاه مارت

د) دیدگاه مارت

براساس این نظریه، پیش از دوره اعتقاد به نیرویی گسترده در سرتاسر جهان (انسان های ابتدایی به وجود نیرویی منتشر در جهان و اشیای جهان اعتقاد داشتند)، منشأ دین در حقیقت همان اعتقاد به ماناست.(۲) البته انسان های ابتدایی، مانا را نمی پرستیدند، ولی وقتی اعتقاد به مانا به افراد اختصاص می یافت و کم کم اعتقاد به وجود مانا در مورد ارواح پیدا شد، این ارواح به جهت داشتن مانا مورد پرستش انسان ها واقع شدند. بنابراین، اعتقاد به مانا، در مرحله بعدی به جان مندانگاری تبدیل شد؛ یعنی پس از اینکه ارواح تقدس یافتند، این تقدس به اشیای دارای نیروی «مانا» نیز گسترش یافت.(۳)

ه .) دیدگاه توتم گرایی

ه .) دیدگاه توتم گرایی

براساس این نظریه، خدایانی را که انسان ها می پرستند، موجوداتی خیالی هستند که جامعه به طور ناخودآگاه آنها را به عنوان ابزارهایی اختراع کرده است

۱- درآمدی بر منشأ دین، نک: ص ۹۰؛ علی سامی النشار، منشأالدین، مرکز الانماء الحضاری، ۱۹۹۵، چ ۱، صص ۷۵ و ۷۶ و Pals Daniel/Seven Theories Of Religion/Oxford ۱۹۹۶/P۳۶.

۲- مانا، نیرویی جادویی است. البته نیرویی دینی هم به شمار می رود، ولی جنبه سحری و جادویی آن غلبه دارد.

۳- درآمدی بر منشأ دین، نک: ص ۶۷؛ بیتس دانیل، انسان شناسی فرهنگی، مترجم: محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۷۵، ص ۶۷۵.

تـا از راه آنها، رفتار افراد را کنترل کنـد. هنگامی که انسان ها در حضور موجودی برتر _ که ورای قـدرت فردی آنها است _ قرار بگیرنـد، این موجود برتر، طبیعت جامعه است که در اذهان افراد و اعضایش، صـفات خدایی را به همراه دارد. احساس امر قدسـی که پرستش و بندگی انسان ها را برمی انگیزد، بازتاب نیاز جامعه به وفاداری اعضایش است. در جوامع ابتدایی، اطاعت افراد از جامعه بسیار قوی است و باورها و رسم های قبیله که همگی بازتاب نیازهای جامعه است، حاکمیت مطلق دارد. جامعه، واقعیت فراگیری است که زمـانی پیش از مـا وجود داشـته است و پس از مـا هم وجود خواهـد داشت. ازاین رو، در واقعیتی به صورت خـدا نمایان شـده است. بر این اساس، خـدا موجودی فرا طبیعی نیست، بلکه انسان، خـدا را برای حفظ حیات اجتماعی خود آفریده است.(۱)

و) دیدگاه اندرولانگ

و) دیدگاه اندرولانگ

اندرولانگ معتقد بود که در ذهن انسان ابتدایی، دو عنصـر وجود داشت: عنصر نخست، همان مفهوم خدای برتر و پدر مهربان بشـر و عنصـر دیگر، اسـطوره است. انسان ابتدایی گرچه به خدای برتر و پدر اعتقاد داشت، این اعتقاد را در باور به اساطیر می دید که به تدریج به صورت افسانه و خرافه درآمدند.

این دو عنصر با همدیگر تعارض مطلق دارند و اعتقاد دینی با اعتقاد

۱- مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، صص ۳۷۵ _ ۳۸۱.

اسـطوره ای ناسازگـار است؛ زیرا اعتقـاد دینی معقول، ولی اعتقـاد اسـطوره ای، خرافی و غیرمعقول است. افزون بر این، اعتقاد دینی پرورده تأملاـت عقلاـنی و نظری است که عقل تسـلیم آنها می شود، ولی اعتقاد اسـطوره ای، محصول قوه خیال است. به عبارت دیگر، به عقیده اندرو لانگ، دین ابتدایی، پاک ترین و شـفاف ترین دین بوده و در پی اثرگذاری عنصـر اسطوره ای و گذشت زمان، دین ابتدایی خلوص خود را از دست داده است.(۱)

ز) دیدگاه ماکس وبر

ز) دیدگاه ماکس وبر

براسـاس نظر وبر، مفهوم خـدا سـیری تکـاملی را پیموده است. این فرآینـد تکـاملی، از یـک نیروی مبهم تشـخص نیافته و حتی بدون نام، به خدایان متشخص و دارای قلمرو و مسئولیت های خاص و سپس به خدای واحد و متعال رسیده است. وبر در مورد نسبت دین و جادو معتقد است که با وجود همه ابهام هایی که در تمایز دین از جادو وجود دارد، می توان گفت «دین» عبارت است از روابـط انسـان هـا بـا نیروهای فراطبیعی که صورت دعا، قربانی و عبادت به خود می گیرد، در حالی که «جادو» عبارت است از اجبار نیروهای فراطبیعی با وسایل و اورادی خاص. بر این اساس، موجوداتی که در دین مورد پرسـتش قرار می گیرند، «خدا» نامیده می شوند و آنهایی که در جادو تحت اجبار و طلسم قرار می گیرند، «شـیطان»ها و «دیو»ها هسـتند. بنابراین، انسان ها در دین، با خدا و در جادو، با شیاطین سروکار دارند. به طور کلی، بر اساس بینش

۱- در آمدی بر منشأ دین، صص ۱۷۰ _ ۱۷۲.

تکامل گرایانه وبر، در ابتدا انسان های ابتدایی به ارواح معتقد بودند و آنها را در طبیعت مؤثر می دانستند. ازاین رو، اخلاق جادوگری در میان آنها رواج داشت. به تدریج که اعتقاد به ارواح جای خود را به اعتقاد به خدا یا خدایان داد، اخلاق دینی نیز جای اخلاق جادوگرانه را گرفت. (۱)

۲. دیدگاه روان شناسان

اشاره

۲. دیدگاه روان شناسان

این گروه از دانشمندان که رویکرد بشر را به امور فرا طبیعی به ویژه دین، از جنبه های روحی و روانی مورد بررسی قرار داده اند، به دو دسته تقسیم می شوند: گروهی چون فروید، انکار کنندگان امور فراطبیعی و دین هستند و این گونه امور را فرافکنیِ ضمیر ناخودآگاه بشر می دانند. گروهی دیگر همچون یونگ، ریشه ای حقیقی برای آنها قایل هستند.

الف) دیدگاه فروید

الف) دیدگاه فروید

به طور کلی، فروید، دین را به کارکرد روانی آن احاله و سه تقریر مختلف از منشأ دین ارائه می دهد. در تقریر اول، منشأ اصلی دین، محروم بودن برادران از جنس ماده و انحصارطلبی پدر عنوان شده است. به عبارت دیگر، «توتمیزم» را منشأ دین می داند. در تقریر دوم، ترس از طبیعت و توتم پرستی منشأ دین است و در تقریر سوم، سرکوب شدن غریزه جنسی، به عنوان منشأ دین مطرح

۱- . برای آگاهی بیشتر از نظریه های وبر نک: مقاله «فرضیه جامعه شناختی ماکس وبر درباره پیدایش دین» ترجمه: محمد عزیز بختیاری، مجله معرفت، شماره ۲۰؛ Weber,Max' The Sociology of Religion' Translated by: Ephraim Fischof Beacon'Press .Boston,۱۹۶۴,P. ۲۸

می شود.(۱)

ب) دیدگاه یونگ

ب) دیدگاه یونگ

براساس نظریه یونگ، «ناخودآگاه جمعی» منشأ دین است. این ناخودگاه جمعی، لایه عمیق روان است که کلی و جمعی و غیرشخصی و در میان تمام آدمیان مشترک است، به هیچ فرد خاصی تعلق ندارد و مخزن ذخیره تصاویر مکنون و پوشیده است. انسان این تصاویر را از نیاکان و اجدادش به ارث می برد. البته شخص آنها را آگاهانه به یاد نمی آورد یا نمی تواند آنها را مانند اجدادش مجسم کند، بلکه شخص آنها را به صورت گرایش هایی در واکنش به جهان خارج ظاهر می سازد. یونگ محتویات ناخودآگاه جمعی را کهن الگو (صورت مثالی) می نامد. این واژه، به معنای نمونه اصلی است که طرح های مشابه از آن سرمشق گرفته اند.

کهن الگوها، جهانی هستند و در همه انسان ها به طور یکسان وجود دارند؛ زیرا همه افراد تصاویر یگانه ای را به ارث می برند. به نظر یونگ، یکی از این کهن الگوها، تصویر خداست. همان گونه که چشم رو به خورشید می کند، روح انسان هم رو به خدا دارد. به نظر یونگ، روح ماهیتی دینی دارد؛ یعنی دارای کارکردی دینی است. ضمیر ناآگاه، منبع و سرچشمه تجربه های دینی است. از نظر او، ماهیت دین و خدا، همه به ماهیت محتوای ناخودآگاه جمعی

۱- برای آگاهی بیشتر از نظریه های فروید نک: توتم و تانو، آینده یک پندار و موسی و یکتاپرستی.

برمی گردد.(۱)

۳. دیدگاه متکلمان خدا باور

اشاره

۳. دیدگاه متکلمان خدا باور

نظریه های خداگرایانه متکلمان، این ویژگی را دارد که در مقام تبیین دین، وجود خدا را به عنوان اصل مسلّم پذیرفته اند. در اینجا به مهم ترین این نظرها اشاره می کنیم:

الف) نظریه ترس از نومن (دیدگاه رودلف اتو)

اشاره

الف) نظریه ترس از نومن (دیدگاه رودلف اتو)

نکته محوری در اندیشه اتو، تنظیم و تقسیمی است که از تجربه های دینی و تجربه امر مقدس ارائه می دهد. از این رو، پیش از بیان نظر او درباره منشأ دین، باید مفهوم «تجربه دینی» و «نومن» را توضیح داد.

۱. تجربه دینی

تجربه دینی(۲):

حالت ها و احساسات دینی که دین داران دارند، تجربه دینی است. به عبارت دیگر، همه انسان ها در طول تاریخ، به نوعی با موجود برتر ــ خدا، یهوه یا پدر ــ رویارویی داشته اند. همه این رویارویی ها، تجربه دینی هستند که

۱- نک: مورنو آنتونیو، یونگ، خدایان و انسان مدرن، مترجم: داریوش مهرجویی، ص ۱۴۲؛ مبانی روان شناسی تحلیلی یونگ، مترجم: محمد حسین مقبل، ص ۵۷.

۲- واژه تجربه دینی در فرهنگ ما نوعی ابهام دارد؛ زیرا ما واژه تجربه را معمولاًـ در حالت های دینی به کار نمی بریم. این نکته ناشی از معنای واژه تجربه در فرهنگ غرب است.

شهود عرفا نیز از سنخ آن به شمار می آید.(۱)

۲. تجلّی نومن و ساختار آن

این واژه که از زبان لاتین گرفته شده، به معنای موجود ماورای طبیعی است. بر اساس نظر «اتو»، انسان ها، نومن را تجربه می کنند و تجلی نومن برای آنها، احساس عبودیت می آورد؛ یعنی فرد با تجربه نومن، احساس بندگی و مخلوق بودن می کند. نخستین جنبه ای که از راز هراس انگیز آن ناشی می شود، جنبه ترس زایی است؛ یعنی فرد در خود احساس هیبت و ترس می کند. البته این ترس، با ترس معمولی فرق دارد. ترس دینی، حالتی روحی است که در اثر حضور نومن به فرد دست داده است و خشوع و اطاعت را به همراه می آورد. از این رو، این ترس همان ترسی نیست که فروید آن را منشأ دین می دانست. به نظر اتو، ادیان از این احساس عمیق پدید می آیند و به تدریج تکامل می یابند. منشأ دین، ترسی است که با تجلی نومن در شخص پدید می آید.(۲)

ب) نظریه امر مقدس (دیدگاه میرچا الیاده)

ب) نظریه امر مقدس (دیدگاه میرچا الیاده)

به نظر الیاده، ذات دین عبارت است از تقسیم جهان و پدیده های آن به دو بخش مقدس و نا مقدس تفاوت این نظریه با دیدگاه دورکیم در این است که دورکیم، دین را تجلّی جامعه می داند، ولی در نظر الیاده، دین امری مستقل

۱- در آمدی بر منشأ دین، صص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۲- در آمدی بر منشأ دین، صص ۱۴۱ _ ۱۴۳.

است که هویت خاصی دارد. مقدس هم در جوامع باستانی پیدا می شود و هم در جوامع نوین. انسان در جوامع باستانی تا آنجا که ممکن است، به زنـدگی در مکان مقـدس یا در جوار اشـیای تقـدیس شده تمایل دارد. این میل کاملاً فهم پذیر است؛ زیرا برای بومیـان (انسـان هـای نخستین) و همچنین برای انسان های جوامع پیش از عصـر جدیـد، مقـدس با «قـدرت» و در نهایت با «واقعیت» برابر است. مقدس با هستی اشـباع شده است. تقارن مقدس و نامقدس، به منزله تضادی میان واقع و غیرواقع بیان شده است. البته نباید انتظار داشت که در زبان های باسـتانی، اصـطلاح فلسـفی واقع و غیرواقع و مانند اینها پیدا شود، ولی فهم اینکه انسان مذهبی به طور عمیق آرزومند سـهیم بودن در واقعیت اشـباع شده با قدرت باشد، آسان است. با این توصیف، امر مقدس وسـیع تر از خـدای یهودی ــ مسـیحی است. منشأ دین، واقعیت داشـتن امر مقـدس و رویـارویی انسان ها با آن است. نمادها و اساطیر در ادیان، همان امر مقـدس را نشان می دهنـد و نشان دهنـده محوریت داشـتن امر مقـدس یا رویارویی با امر مقدس در ادیان مختلف هستند.(۱)

به نظر الیاده، بسـیاری از اشـیایی که ما در زندگی روزانه با آنها سـروکار داریم، غیرمقدس و تنها خودشان هسـتند، ولی اشیای مقدس، تنها خودشان نیستند، بلکه در لحظه معینی می توانند به چیزی بیش از خودشان برگردانده

۱- در آمدی بر منشأ دین، ص ۱۵۹؛ میرچاالیاده، مقدس و نامقدس، صص ۱۳ و ۱۴.

شونـد؛ یعنی می توانند علامت چیزی مقدس باشـند. ابزار، حیوان، غار یا سـنگ، در صورتی که مردم بخواهند یا کشف کنند، علامتی برای امر مقـدس می شود. بنابراین، تمام اشـیای نمادین، ویژگی دوگانه ای دارند: از طرفی، چیزی هسـتند که هسـتند؛ یعنی آنچه بودنـد، باقی میماننـد و از طرف دیگر، چیزی غیر از خودشان می شوند. برای نمونه، کعبه برای مسـلمانان، سـنگ سیاه بزرگ مقدسـی است، گرچه در سـطحی دیگر، این شـی ء خاص خارجی یک سنگ است، ولی هیچ مسلمانی آن را تنها یـک سـنگ نمی پنـدارد. از همـان لحظـه ای کـه مسـلمانان دانسـتند امر مقـدس، ایـن سـنگ را لمس کرده اسـت، این سـنگ غیرمقدس به امری مقدس تبدیل شد. از این پس، کعبه دیگر فقط یک سـنگ نیست، بلکه بنایی است که با خود امر مقدس را هم دارد. این تبدیل شئ غیرمقدس به مقدس، دیالکتیک امر مقدس است. ممکن است شئ مقدس، خدایی را در نظر دین دار بیاورد که خالق جهان باشد؛ چنانچه کعبه برای مسلمانان چنین است.(۱)

ج) دیدگاه فطرت

ج) دیدگاه فطرت

فهم این نظریه که از سوی شهید مطهری ارائه شده، مبتنی بر مقدماتی است:

۱- درآمدی بر منشأ دین، صص ۱۶۱ و ۱۶۲.

یک ــ فطریات، به فطریاتِ در ناحیه گرایش ها و فطریات در ناحیه بینش ها تقسیم می شود؛ یعنی گفته می شود یک سلسله گرایش ها یا یک سلسله بینش ها فطری است.

دو ــ فطریات گرایشی که به آنها فطریات احساسی نیز گفته می شود، پنج دسته هستند: اول، حقیقت جویی؛ دوم، گرایش به خیر و فضیلت، مانند: گرایش انسان به راستی، از آن جهت که راستی است؛ سوم، گرایش به زیبایی؛ چهارم، گرایش به نوآوری و پنجم، عشق و پرستش.

سه ــ فطریات بینشی هم به چند دسته تقسیم می شود. فیلسوفان اسلامی، علم را به حضوری و حصولی تقسیم کرده اند. در علوم حضوری، معلوم بدون واسطه مفهوم به دست می آید. گاهی فطری به این معنا است که ما به آن چیز علم حضوری داریم. فطریات بینشی یا ادراکی در علوم حصولی، در دو ناحیه مطرح است؛ تصورات و تصدیقات.

فطریات تصوری، مفاهیم بدیهی هستند که به تعریف نیاز ندارند. فطریات تصدیقی نیز مانند تصورات بدیهی هستند. پس تصدیق بدیهی عبارت از تصدیقاتی است که از راه تصدیق یا تصدیقات دیگر به دست نیامده باشد. منطق دانان برای تصدیقات بدیهی، اقسامی را بیان کرده اند: اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات و حدسیات. البته به همه اقسام بدیهیات، فطری گفته نمی شود، بلکه این اصطلاح در دو مورد به کار می رود: یکی اولیات؛ یعنی گزاره هایی که صرف تصور موضوع و محمول برای تصدیق آنها کافی است، مانند اینکه کل از جزء بزرگ تر است و دیگری، فطریات که «قَضَایا قِیَاسَاُتهَا مَعَهَا» نیز نامیده می شوند. اینها گزاره هایی نظری هستند، ولی حد وسطشان در

ذهن حاضـر است، مانند اینکه «چهار زوج است». این گزاره نظری است، ولی حد وسط آن؛ یعنی قابل تقسـیم شدن به دو قسم مساوی، در ذهن حاضر است.

پس از بیان این نکته ها، باید این پرسـش را مطرح کرد که فطری بودن دین به چه معنایی است؟ فطری بودن دین ممکن است در ناحیه گرایش ها یا در ناحیه بینش ها و ادراک ها مطرح شود. ازاین رو، احتمال های گوناگونی را در بر می گیرد:

احتمال اول: فطری بودن دین در ناحیه گرایش ها ممکن است یکی از معانی زیر را داشته باشد:

اول، خداجویی فطری است؛ یعنی میل به خدا، گرایشی فطری است.

دوم، خداپرستی فطری است؛ یعنی میل فطری نسبت به این پرستش در انسان وجود دارد.

سوم، خواست هـای دین و آموزه های آن، مطابق با گرایش های وجودی انسان است. به عنوان مثال، گرایشـی به جاودانگی و ابـدیت در انسان هست و او می خواهـد با مرگ از بین نرود و حیاتش ادامه یابد. دین هم می گوید که جهان دیگری هست و حیات بشر در آنجا ادامه می یابد.

احتمال دوم: فطری بودن دین در ناحیه ادراک ها و بینش هاست که در این صورت، معانی مختلفی دارد:

معنـای اول اینکه علم به خـدا حضوری است؛ یعنی شـناخت خـدا تنهـا با علوم حصولی و برهان های عقلی به دست نمی آیـد، بلکه انسان به خدا، شناخت حضوری دارد. البته موانعی مانند گرایش به مادیات و غیره موجب پنهان شدن این علم می شود.

معنای دوم اینکه شناخت خدا فطری است؛ یعنی گزاره «خدا وجود دارد» از فطریات منطقی است و با اندکی تأمل تصدیق می شود.(۱)

فصل دوم: نقد و بررسی نظریه های اندیشمندان غربی با توجه به مبانی اسلامی

فصل دوم: نقد و بررسی نظریه های اندیشمندان غربی با توجه به مبانی اسلامی

با توجه به مبانی اسلامی، آرا و نظریه های اندیشمندان غربی، اشکال های مبنایی متعددی دارد. مهم ترین اشکال عبارت است از اینکه آنها به انسان و نیازهای او، به صورت تک بُعدی نگاه می کنند. به عنوان نمونه، اندیشمندی که مسئله را از دیدگاه جامعه شناسی بررسی می کند، تنها منشأ گرایش انسان به دین و امور فرا طبیعی را اموری معرفی می کند که از جامعه سرچشمه گرفته اند. کسانی که از دیدگاه روان شناسی این موضوع را مورد مطالعه قرار می دهند، یگانه عامل گرایش انسان را به امور فرا طبیعی و دین، گرایش های روحی و روانی و احساسی او می دانند و از دیگر جنبه های انسان غفلت می ورزند.

دومین اشکال این است که برخی از دیدگاه ها تکامل گرا هستند؛ بدین معنا که دلیل گرایش انسان به دین را ترس از طبیعت، اعتقاد به ارواح یا موجودات اسطوره ای و جادو می دانند. از این رو، علت گرایش به دین را در جهل انسان ها جست وجو می کنند و اعتقاد به موجودات اسطوره ای، جادو و امور خرافی را

۱- مرتضی مطهری، فطرت، صص ۷۴ _ ۸۶ و ۲۶۱.

اموری اصیل و حقیقی می داننـد، در صورتی که بر اساس مبانی اسـلامی، امور خرافی، اسـطوره ای و جادویی، از امور موهوم شمرده می شود و هیچ گونه اصالت و حقیقتی ندارد.

سومین اشـکال، این است که برخی از صاحب نظریه ها تحویل گرا هسـتند؛ بـدین معنا که یک امر را به امری دیگر ارجاع می دهند. به عنوان نمونه، دورکیم، دین را به کارکرد اجتماعی؛ فروید، به عقده اُدیپ و غریزه جنسـی بشـر و فریزر، به امور طبیعی برمی گردانند. البته تحویل گرایی صرفاً برگرداندن یک امر به امری دیگر نیست، بلکه وجه و جهت سلبی نیز دارد؛ به این معنا که امری به امر دیگری برگردانده می شود و تمام چیزهای دیگر گرفته می شود.

تحویـل گرایی در دین؛ یعنی برگردانـدن دین به یک بُعـد آن و سـلب دیگر ابعاد از دین که سـبب می شود از درک مقولات اساسی دینی مانند ایمان و امر مقدس ناتوان باشند و دین را به گونه ای نشان دهند که در حقیقت چنین نیست.

چهارمین مشـکل برخی از این نظریه ها، این است که بر شواهد و قراین تاریخی، اجتماعی و فردی تکیه دارند که از نظر علمی هیچ گونه مستندی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن خود این اشخاص است.

پنجمین اشـکال، این است که با روح آموزه های پیامبران و ادیان آسمانی ناسازگار است. به عنوان نمونه، در آموزه های تمام پیـامبران بر این نکته تأکیـد شـده است که خـدا تمـام انسـان هـا را دوست دارد و آموزه هـا تمـام انسان ها را به مهربانی با هم دعوت می کنـد. این اصـل یـک اصـل اخلاقـی جهـان شـمول است؛ یعنی تمـام ادیـان الهی، انسـان های مختلف را با نژادهای گوناگون، در حکم

اعضـای جـامعه واحـدی می دانـد. این در حـالی است که بر اسـاس تحلیـل کسانی ماننـد دورکیم، خـدا و دیگر مفاهیم دینی، بازتاب نیازهای جامعه هستند.

پرسشـی که در اینجـا مطرح می شود این است که اگر این گونه مفـاهیم، بازتـاب جامعه های خاص هسـتند، چگونه این ادیان کل جهانِ انسانی را در برمی گیرد؟ زیرا بر اساس نظریه دورکیم، دین ندای گروه است که برای حفظ امنیت خاص گروهی به وجود می آید. بنابراین، دین و احکام آن نمی تواند تمام بشر را دربرگیرد. فروید هم باور به دین و خدای طبیعت را ناشـی از محرومیـت و محـدودیت هـایی می دانـد کـه اجتمـاع و تمـدن بشـری بر انسـان تحمیـل کرده اسـت، ولی چرا تنهـا در مقـابل محـدودیت هـای ناشـی از تمـدن و اجتمـاع، خـدایی برای طبیعت تصویر می شود؟ بایـد گفت نظریه فرویـد از انسـجام منطقی برخوردار نیست. افزون بر آن، معلوم نیست چرا این موجود تصویر شده باید مسـئولیت محرومیت های جنسی انسان را به عهده گیرد؟ همچنین این موجود چرا باید نگران عدالت و اخلاق باشد؟ آنچه در ادیان دیده می شود، این است که انسان را به مطیع نبودن از غریزه جنسـی دعوت می کننـد و حتی برخی از ادیـان، نظری افراطی در این باره دارنـد و می گوینـد که این غریزه به هیچ وجه نباید ارضا شود(۱) که با دیدگاه فروید منافات دارد.

نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره شود، این است که تمامی این

۱- درآمدی بر منشأ دین، صص ۱۱۶ و ۱۱۷ _ ۱۳۳.

اندیشـمندان از دیدگاه دین مسـیحیت به مسـئله نگاه کرده اند. ازاین رو، بسـیاری از این نظرها، با این دین سازگاری دارد و با آموزه هـای ادیـان دیگر ناسازگـار است. به عنوان نمونه، نظریه انـدرولانگ رنـگ و بوی مسـیحی دارد؛ زیرا به نظر او، انسـان ابتـدایی، خـدا را به مثابه پدری مهربان در نظر می گرفت. رابطه پدری و فرزندی میان خدا و انسان، تصوّری مسـیحی است. از کجا می توان اثبات کرد که این تصور نیز بر اثر نفوذ عنصـر اسطوره در مسیحیت پدید نیامده باشد. بر همین اساس، این تحلیل ها را در مورد دیگر ادیان نمی توان صادق دانست، چنان که بر اساس مبانی اسـلامی، چنین رابطه ای میان خـدا و انسان تصور نمی شود.

نکته دیگر اینکه بسـیاری از تحلیـل هـای این اندیشـمندان، براساس مبانی معرفتی شان که تنها راه شـناخت و معرفت را معرفت حسّی تلقی می کننـد، صورت گرفته است. برای مثال، ماکس مولر معتقـد است حقیقت دین تجربی است؛ زیرا هر معرفتی که در میان معارف بشری مشروعیت پیدا کند، باید از رهگذر حواس به دست آمده باشد و دین نیز از این قاعده خارج نیست. این در حالی است که بر اساس مبانی اسـلامی، یکی از راه های شـناخت، فطرت است؛ یعنی اگر ذهن سـلیم اندکی در پدیده های طبیعی تأمل کنـد، ممکن نیست امور طبیعی را پروردگار خود بپنـدارد. براساس مبنای اندیشـمندانی مانند ماکس مولر، صورت ابتـدایی دین، طبیعت پرستی است؛ زیرا او تنها مجرای معرفت را امور حسـی می داند که با طبیعت سـروکار دارد. البته براساس مبانی اسلامی، چون انسان ابتدایی به فطرتش نزدیک بوده، بر اساس فطرت خود به امور فراطبیعی تمایل داشته است.

فصل سوم: پی آمدهای دیدگاه اندیشمندان غرب و اسلام

اشاره

فصل سوم: پی آمدهای دیدگاه اندیشمندان غرب و اسلام

زیر فصل ها

۱. پی آمدهای دیدگاه اندیشمندان غرب

اشاره

۱. پی آمدهای دیدگاه اندیشمندان غرب

زیر فصل ها

الف) دنیوی شدن دین

الف) دنیوی شدن دین

دنیوی یـا سـکولارشدن، زاییـده دو عامل است: یکی، کشـفیات نیمه قرن بیسـتم که جریان دنیوی شـدن ساختارها و نیروها در زنـدگی عـادی و نیز در شـیوه تفکر و درک واقعیت وجود دارد و دیگری، تلاـش هـای الهیاتی در مورد تفسـیر کتاب مقـدس است که می خواست این کتاب را به عنوان سخن و فعل خدا و مأموریت کلیسا در معنا کردن آن مطرح کند. یکی از متکلمان مسـیحی به نام بونهافر در نامه ای که در سال ۱۹۴۴ از زندان فرسـتاد، سـکولاریزه شدن را به عنوان نهضتی معرفی می کند که «به سوی خود مختار ساختن آدمی پیش می رود تا آدمی خود بتوانـد به کشف جهانی که در آن زنـدگی می کنـد، بپردازد و قوانین آن را کشف کنـد و در پرتو علم، به سامان بخشـی از امور اجتماعی، سیاسـی، هنر، اخلاق و دین بپردازد. جهان به بلوغ خویش رسیده و دیگر به مطرح ساختن «فرضیه خدا» برای معنابخشی به زندگی و حل مشکلات بشری

نیازی ندارد».(۱)

بر اساس تعریفی که از سوی یکی از نهادهای جهانی مسیحیت در سال ۱۹۵۹ ارائه شده، دنیوی شدن عبارت است از: «کنار زدن نظارت دین و در نهایت ما بعد الطبیعه، از صحنه های زندگی و تفکر و کوشش برای زندگی و تلاش در این صحنه ها بدون حضور و مداخله دین».(۲)

به طور کلی، دنیوی شدن، شش معنا دارد که عبارتند از:

یک _ زوال دین: بدین معنا که نمادها و آموزه ها و نهادهای مذهبی پیشین، حیثیت و اعتبارشان را از دست می دهند و در نتیجه، راه برای جامعه بدون دین باز می شود.

دو _ سازگاری با این جهان: به این معنا که در این جهان، توجه آدمیان از عوامل فراطبیعی جدا شده، به ضرورت های زندگی دنیوی و مسائل آن جلب می شود. بر اساس این معنا، علایق گروه های مذهبی با علایق گروه های غیرمذهبی درهم آمیزند، به گونه ای که نمی توان یکی را از دیگری جدا ساخت.

سه _ جدایی دین و جامعه: در این معنا، دین به قلمرو خاص خودش عقب می نشیند و به زندگی خصوصی منحصر می شود. آن گاه ویژگی های درونی پیدا

۱- چارلز _ س _ وست، «مسیحیت و مسئله دنیوی شدن دین»، مترجم: همایون همتی، کیهان فرهنگی، ش ۱۴۴ مرداد ۱۳۷۷، صص ۲۳ _ ۲۵.

۲- چارلز _ س _ وست، «مسیحیت و مسئله دنیوی شدن دین»، مترجم: همایون همتی، کیهان فرهنگی، ش ۱۴۴ مرداد ۱۳۷۷، صص ۲۳ _ ۲۵.

می کند و تسلطش را بر جنبه های زندگی اجتماعی خارج از قلمرو دین، از دست می دهد.

چهارم ــ جای گزینی صورت های مـذهبی، به جای باورداشت ها و نهادهای مذهبی: در این معنا، دانش، رفتار و نهادهایی که زمانی مبتنی بر قـدرت خـدایی تصور می شدنـد، به پدیده های آفریده انسان و تحت مسئولیت او تبدیل می شوند. در اینجا با دین انسانی شده ای رو به رو هستیم.

پنـج ــ تقـدس زدایی از جهان: جهان ویژگی مقدس خود را از دست می دهد و انسان و طبیعت، موضوع تبیین علّی ــ عقلانی و دخل و تصرف می شوند. در این جهان، نیروهای فراطبیعی هیچ نقشی ندارند.

شش ــ حرکت از جـامعه «مقـدس» به جامعه «دنیوی»: جامعه هرگونه پای بنـدی خود را به ارزش ها و عملکردهای سـنتی رها می کند و با پذیرش دگرگونی، همه تصمیم ها و کنش هایش را بر مبنای عقلانی و فایده گرایانه انجام می دهد.(۱)

ب) سستی ایمان مذهبی

ب) سستی ایمان مذهبی

یکی از نتایـج دنیوی شـدن دین، سـستی اعتقادها و ایمان مـذهبی است و به این بسـتگی دارد که شـخص درباره علت پیدایش اولیه دین چه نظری داشته باشد. اگر دین، واکنشی در برابر محرومیت و ستمگری تبیین گردد، تبیین دنیاگرایی به رشد فراوانی و دموکراسی ارتباط پیدا می کند. اگر دین را محصول

۱- ملکن الن، جامعه شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، صص ۲۸۱ ــ ۲۹۰.

جهل نبودِ شناخت بدانیم، دنیاگرایی پی آمد رشد علم به شمار می آید. اگر دین فرآورده هراس و بی اطمینانی پنداشته شود، دنیاگرایی نتیجه قابلیت روزافزون انسان در تبیین و مهار جهان طبیعی تلقی می گردد. اگر دین واکنشی روان پریشانه در برابر شرایط زندگی در سطح جمعی در نظر گرفته شود، دنیاگرایی نتیجه این واقعیت پنداشته می شود که ما به عنوان یک نوع، در جریان رشد خود به مرحله بلوغ رسیده ایم. اگر دین به عنوان عامل منسجم کننده جامعه در نظر گرفته شود، دنیاگرایی نتیجه این واقعیت است که به یک رشته ارزش های مناسب تر در شرایط نوین نیاز داریم. اگر دین وسیله معنا بخشیدن به وجود آدم ها دانسته شود، دنیاگرایی پی آمد بحران معنا برای یافتن معنایی مناسب تر برای شرایط موجود خواهد بود.(۱) به نظر برخی از اندیشمندان مانند برگ، با جدایی ریشه ای قلمرو مقدس از نامقدس ــ که در جنبش اصلاح مذهبی یا پروتستانیسم صورت گرفته است، بذرهای انقراض دین پاشیده شد.(۲) از این رو، می بینیم در کشورهایی که مذهب پروتستانی دارند، ایمان مذهبیِ ضعیفی وجود دارد. این موقعیت که شخص می توانست از میان تفسیرهای گوناگون و رقیب مذهبی، یک تفسیر یا سازمان را برای خود انتخاب کند، در کل به کاهش

۱- ملکن الن، جامعه شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ص ۲۹۶.

۲- ملکن الن، جامعه شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ص ۲۹۹.

ارزش یـا از دست رفتن اقتـدار دیـدگاه مـذهبی انجامیـده است.(۱) و این مـوقعیت تکـثر مـذهبی که شـخص می توانـد خـود، مذهبش را انتخاب کند، همانند همان موقعیتی است که شخص می تواند هیچ دینی برای خود انتخاب نکند.

براساس آنچه گـذشت، روشن می شود، تقـدس زدایی از دین که در فرهنگ غرب صورت گرفت، به سـستی ایمان مـذهبی و دنیوی شدن دین انجامید.

۲. پی آمدهای دیدگاه اندیشمندان اسلامی

اشاره

۲. پی آمدهای دیدگاه اندیشمندان اسلامی

زیر فصل ها

الف) ایمان مذهبی

ب) ارزش دادن به شخصیت انسان

ج) حق عقل در حریم دین

د) آزادی معنوی انسان

الف) ایمان مذهبی

الف) ایمان مذهبی

ریشه و پایه تمام مقدسات بشری، ایمان مذهبی است. اندیشمند شهید مرتضی مطهری رحمه الله در این باره می گوید:

عدالت، یکی از مقدسات بشر است. آزادی، یکی از مقدسات بشـر است... راستی، درستی، امانت یکی دیگر از مقدسات بشر است. بدون شک تمام اینها در گرو ایمان می باشند.(۲)

ایشان در ادامه چنین بیان می کند:

ایمان، یعنی وسیله ای که بتواند روح ما را بکشد و جذب کند و بتواند بر سرّ ضمیر ما حکومت کند. شرط اولش این است که لا اقل یک کتاب آسمانی روشنی موجود باشد که حداقل انسان اطمینان داشته باشد که این کتاب از صاحب خودش است... . اگر بناست بشر به یک کتاب آسمانی ایمان داشته

۱- ملکن الن، جامعه شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ص ۳۰۰.
۲- مرتضی مطهری، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۱۹.

باشد؛ یعنی اگر یک کتاب آسمانی وجود داشته باشد که یک آدم بی تعصب بتواند روی آن لا اقل فکر بکند، قرآن است.(۱)

ب) ارزش دادن به شخصیت انسان

ب) ارزش دادن به شخصیت انسان(۲)

یکی از آثار و نتایج ایمان مذهبی، ارزش دادن به شخصیت انسان است؛ چنان که در قرآن نیز به این موضوع، فراوان اشاره شده است. برای نمونه، در آیه ۷۰ سوره اسراء، درباره انسان این گونه آمده: «لَقَد کَرَّ منا بنی آدم؛ هر آینه ما به فرزندان آدم (انسان ها) کرامت بخشیدیم.» همچنین آیاتی هستند که در مورد آفرینش انسان و دمیدن روح به او سخن گفته اند.

ج) حق عقل در حریم دین

ج) حق عقل در حریم دین(۳)

هیچ کتاب مذهبی به اندازه قرآن برای عقل احترام قایل نشده است. ما در قرآن، هیچ جا تعبیری نمی بینیم که از کاری نفی شده باشد، مگر در جایی که در آن «تعقل» و «تفکر» وجود نداشته باشد. به عنوان نمونه، در آیه ۱۰۰ سوره یونس چنین بیان شده است: «و یَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَی الذین لا یعقلون؛ و خداوند بر کسانی که نمی اندیشند، پلیدی را قرار می دهد».

وقتی می خواهد کافران را تحقیر کند، می گوید: «اَفَلا یعقلون»، «اَفَلا یَفْقَهون» و... .

۱- مرتضی مطهری، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۱۹.

۲- مرتضی مطهری، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۲۴.

۳- مرتضی مطهری، پانزده گفتار، انتشارات صدرا، ص ۲۴.

د) آزادی معنوی انسان

د) آزادی معنوی انسان

بـدین معنـا که انسـان در درون خودش موجود آزادی است. از آنجا که انسان موجودی اندیشـمند است، گاه آزادی فکر او از نـاحیه درون خودش سـلب می شود؛ یعنی انسـان در اثر اعتقاد به یک سلسـله خرافات، آزادی معنوی و عقلی خود را از دسـت می دهـد. قرآن کریم در این باره می فرماید: «اَفَرَایْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلهَهُ هوَیه؛ آیا دیدی آن کسـی که هوای نفس خودش را معبود خود گرفته (یعنی بنده هوای نفس شد؟)» (فرقان: ۴۳)

بر همین اسـاس، قرآن اعتقادهـای خرافی را از هوای نفس می دانـد. علت اینکه پیامبران در برنامه عـدالت و آزادی خود موفق شدند، این بود که ابتدا در راه آزادی معنوی می کوشـیدند و بشـر را از شـهوت، خرافه، و وابسـتگی های پست دنیایی رها می کردند.

مطلب دیگری که در مـورد آثـار ایمـان مـذهبی بایـد توضـیح داد، این است که زیربنـای همه اصول اخلاقی و سرسلسـله همه معنویـات، ایمـان مـذهبی، یعنی ایمـان و اعتقاد به خـداست. می دانیم که هر فعل اخلاقی، با اصل خودخواهی و منفعت پرستی مغـایرت دارد و انجـام هر فعـل اخلاقی مـوجب نـوعی محرومیـت مـادی اسـت. پس آدمی بایـد دلیلی داشـته باشـد که به این محرومیت هـا رضایت دهـد. کمترین اثر ایمان به خـدای عادل و حکیم این است که انسان مؤمن مطمئن می شود کار خوب و عمـل صالـح، معامله و تجارت با خداونـد است و او پاداش نیکوکاران را از بین نمی برد. اگر انسانیت و اخلاق بر پایه ایمان به خدا نباشد، کاملاً سـست و سطحی خواهد بود. به طور کلی، ما در صفات اخلاقی، آن اندازه تقوا و عفت و امانت می خواهیم که حتی در نهان خانه ها نیز

حافظ بشر باشد و همه اینها یا در پرتو ایمان یافت می شود، یا آنکه حدّ اعلای آن تنها در پرتو ایمان دینی پیدا می شود.(۱)

مسئله دیگری که از آثار و فواید ایمان مذهبی می توان شمرد، سلامت جسم و جان است. ایمان به خدا موجب اطمینان روح، آرامش اعصاب، سلامت قلب و فکر، دوری از حسادت و بخل و طمع، تعادل در خوراک و شهوت، پاکیزگی و در نهایت، سلامت و طول عمر آدمی می شود؛ زیرا انسانِ با ایمان، در فکرِ آن نیست که چه به دست آورد و چه بخورد. اگر هم دیگران به نوایی برسند، از حسادت آتش نمی گیرد و ناراحتی های عصبی، او را به زخم معده و روده مبتلاـ نمی سازد و افراط در شهوت، او را ضعیف نمی کند. منشأ بسیاری از بیماری های روانی، احساس محرومیت های اجتماعی است و ایمان، حکم داروی پیش گیری را دارد. البته مقصود این نیست که باید تسلیم این محرومیت ها شد، بلکه مقصود این است که انسان با وجود این محرومیت ها از پا درنیاید.

یکی دیگر از آثار ایمان مذهبی، سازگاری با محیط است. همان گونه که از نظر زیست شناسی، اگر میان موجود زنده و محیط، سازگاری نباشد، ادامه حیات ممکن نیست، از نظر اجتماعی هم باید میان فرد و جامعه نوعی انطباق وجود داشته باشد که این امر، به وسیله انعطاف فرد و اجتماع به دست می آید. البته به دلیل اینکه همه افراد اجتماع به طور ذاتی میل و عقیده خاص خود را

۱- مرتضی مطهری، بیست گفتار، صص ۲۲۲ _ ۲۴۹.

دارنـد، میان آنها تضاد و ناسازگاری به وجود می آید. دین، بهترین عامل انعطاف جامعه و فرد است که به جامعه، عدالت و به فرد، رضا و تسـلیم می دهد. البته رضایت به معنای رضایت به سـهم و حق خود است، نه رضایت به سـتم؛ زیرا باید به این نکته توجه داشت که اگرچه ایمان بزرگ ترین سـرمایه است، ولی اسـتفاده از آن ماننـد هر سـرمایه دیگر، علم و مهارت لازم دارد. گاه ممکن است استفاده کاملی که باید از آن بشود، نشود یا خود انسان نافهمیده، از آن بد استفاده کند یا دیگران از این حس دینی سوء استفاده کنند.(۱)

۱- مرتضی مطهری، بیست گفتار، صص ۲۲۲ _ ۲۳۲.

بخش سوم: اسطوره، جادو و خرافه از دیدگاه آیات و روایات

اشاره

بخش سوم: اسطوره، جادو و خرافه از دیدگاه آیات و روایات

زیر فصل ها

فصل اول: اسطوره، جادو و خرافه از دیدگاه آیات و روایات

اشاره

فصل اول: اسطوره، جادو و خرافه از دیدگاه آیات و روایات

زیر فصل ها

۱. اسطوره از دیدگاه آیات و روایات

۲. خرافه، جادو و توتم پرستی از دیدگاه آیات و روایات

۱. اسطوره از دیدگاه آیات و روایات

۱. اسطوره از دیدگاه آیات و روایات

این واژه در آیات و روایات، به صورت جمع به کار رفته است و به حکایت ها و داستان های خرافی و دروغین گفته می شود. «اساطیر» نُه بار در قرآن از زبان کافران نقل شده است. آنها بیشتر برای توجیه مخالفت خود با دعوت رهبران الهی، به این بهانه متوسل می شدند و همیشه کلمه «اساطیر» را با «اولین» توصیف می کردند تا ثابت کنند اینها تازگی ندارد. آنها حتی گاه می گفتند: اینها مهم نیست و ما هم اگر بخواهیم، می توانیم مانند آن را بیاوریم». (انفال: ۳۱)

آنها با این تعبیر موذیانه، دو مطلب را بیان می داشتند: نخست اینکه سطح فکر ما از این مسائل بالاتر است و اینها افسانه ای بیش نیست که تنها برای سرگرمی توده مردم ساخته شده است. دیگر اینکه این سخنان تازگی ندارد؛ زیرا اولین بار نیست که انسانی چنین حرف هایی می زند.

امروزه نیز مستکبران برای فرار از حق و گمراه ساختن دیگران، به این امور متوسل می شوند و تفسیرهای مذهبی را «اسطوره» می نامند. البته اگر به اندیشه و رفتار آنها دقت شود، این مسئله روشن می گردد که آنان با مذاهب ساختگی و خرافی سازگاری دارند و حتی گاه خود عامل پیدایش یا نشر آنها هستند. مخالفت آنها تنها با مذاهب راستین است که انسان ها را بیدار می کند. متأسفانه آنچه مستکبران را در این راه مصمم می سازد، خرافه هایی است که گاه افراد

ناآگاه با ساختن و پرداختن آن، به نام مذهب قالب می زنند.(۱)

در اینجا به بعضی از آیاتی که در این زمینه آمده است، اشاره می کنیم. به عنوان نمونه، آیه ۳۱ سوره انفال چنین بیان می کند:

وَ إِذا تُتْلی عَلَيْهِمْ آياتُنا قالُوا قَدْ سَمِعْنا لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هذا إِنْ هذا إِلّا أَساطيرُ الْأَوَّلينَ.

و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: به خوبی شنیدیم. اگر می خواستیم، قطعا ما نیز همانند این را می گفتیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست.

یا در آیه ۲۴ سوره نحل، خداوند چنین می فرماید: «وَ إِذا قيلَ لَهُمْ ما ذا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قالُوا أَساطيرُ الْأَوَّلينَ؛ و چون به آنان گفته شود: پروردگارتان چه چیزی نازل کرد، می گویند: افسانه های پیشینیان است».

در آیه ۵ سوره فرقان نیز خداوند چنین فرموده است: «وَ قالُوا أَساطيرُ الْأَوَّلينَ اكْتَتَبَها فَهِيَ تُمْلی عَلَيْهِ بُكْرَةً وَ أَصيلاً؛ و گفتند: افسانه های پیشینیان است که آنها را بر خود نوشته و صبح و شام بر او املا می شود».

از مجموع آیاتی که در مورد اسطوره در قرآن وارد شده است، در می یابیم که پیامبران، در واقع از خود چیزی ندارند و آنها از جمعی کمک گرفته اند و شماری از افسانه های کهن را گردآوری کرده و آن را وحی و کتاب آسمانی نام نهاده اند و برای رسیدن به اهداف خود، همه روزه از دیگران کمک می گیرند.

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۱، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

براساس این آیات قرآنی، روشن است که مراد قرآن از اسطوره، داستان های توهمی و خیالی و به عبارت دیگر، افسانه ای است که هیچ پایه عقلانی و منطقی ندارد و کافران و مشرکان برای اینکه زیر بار دعوت پیامبران نروند، دعوت آنان را اموری اسطوره ای و افسانه ای می دانستند. بر همین اساس، قرآن نظر آنها را ردّ می کند و می گوید که آنچه از تاریخ گذشتگان و پیامبران و امت های پیشین در قرآن آورده شده، وقایع و حوادث و اتفاقاتی بوده که در گذشته رخ داده و برای عبرت دیگران بیان شده است.

۲. خرافه، جادو و توتم پرستی از دیدگاه آیات و روایات

۲. خرافه، جادو و توتم پرستی از دیدگاه آیات و روایات

اموری از قبیل خرافه و توتم پرستی، به طور صریح در آیات و روایات مورد نقد و نفی قرار نگرفته و این گونه عقاید، در قالب سحر و اسطوره، نفی و انکار شده است. در قرآن کریم، ۱۳ بار کلمه «سحر» از زبان کافران نقل شده است که وقتی آیات قرآن برای آنها تلاوت می شد، می گفتند: «ان هذا الاّ سحر مبین». منظورشان نیز این بود که این سخنان، از حقیقت به دور است؛ زیرا «سحر» به معنای سخن عاری از حقیقت و گفتاری اساسی است. ساحران نیز با رفتار خود، چیزهایی را به بینندگان نشان می دهند که واقعیت و حقیقتی در آن نیست. از این رو، کافران ادعا می کردند که سخنان پیامبران از حقیقت و واقعیت تهی است. «در دوره بعد از اسلام وقتی که دوره ترجمه آثار دیگران فرا رسید و از آثار یونانی و هندی و ایرانی چیزهایی ترجمه شد، خلفا بیش از هر چیزی به مسئله نجوم احکامی توجه کردند. از آن زمان، مسئله نجوم احکامی رایج شد. بعد اینها به دست یهودیان و شاید بیشتر از دیگران، هندی ها و افرادی که

به این امور معتقد بودند، وارد مسائل مذهبی و دینی شد. چون عامه مردم نمی پذیرفتند، می گفتند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام چنین فرموده است، ولی در متون احادیث معتبر، از این حرف ها چیزی نداریم».(۱)

ازاین رو، ائمه علیهم السلام در برابر این عقاید خرافی موضع می گرفتند. به عنوان نمونه، در تحف العقول نقل شده که شخصی به نام حسن بن مسعود گفت: من بر امام هادی علیه السلام وارد شدم، در حالی که انگشتم زخم شده بود. میانه راه در حالی که ناراحتی انگشتم را داشتم، سواره ای به من تنه زد، به گونه ای که کتفم مجروح شد. با هزار زحمت داخل شدم. وقتی وارد شدم، جمعیت خیلی زیاد بود. قسمت هایی از لباس من هم پاره شد. با این حال، تا به نزد امام هادی علیه السلام رسیدم، گفتم: چه روز نحس و شومی بود امروز! ببین انگشت من این طوری شد، شانه من این طور شد و لباسم چنین شد. امروز برای من چه روز بد یُمنی بود. امام به من فرمود: ای حسن بن مسعود! تو از این طرف این حرف را می زنی و از آن طرف به خانه ما می آیی؟ گناه خودت را به گردن آن کس می گذاری که گناهی ندارد؛ به گردن روز می گذاری؟ حسن بن مسعود می گوید، با این حرف امام، مثل اینکه عقل من که پیش از این از سرم پریده بود، باز آمد و فهمیدم اشتباه کرده ام. از این رو، گفتم: آقای من! از این گناهی

۱- پانزده گفتار، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

که مرتکب شـدم، استغفار می کنم. امـام فرمود: حسن! آنچه شـما می بینیـد، جز نتیجه اعمـال خودتـان نیست. پس گناه ایام و روزهـا چیست؟ به خـدا سوگنـد که این حرف ها که روزگار را گناه کار بدانیـد و برای آنها نحوست و شومی قایل باشـید، نه تنها فایـده ای نـدارد، بلکه خداوند شـما را بازخواست و بر ضد شـما اعلام جرم خواهد کرد که چرا مخلوق بی گناه مرا مجرم دانستید، در حالی که من این روزگار را بی گناه دانستم».(۱)

بر اساس آنچه از آیات و روایات در مورد اسطوره، خرافه، جادو و توتم پرستی بیان شد، روشن می گردد که این گونه عقاید از دیـدگاه آیـات و روایـات پـذیرفته نیست و قرآن و روایـات در برابر این گـونه عقایـد موضع گیریی کرده انـد که در بخش آسیب شناسی به تفصیل بحث می شود.

۱- تحف العقول، ص ۳۸۲.

فصل دوم: آسیب شناسی اسطوره، جادو و خرافه بر اساس مبانی و ارزش های اسلامی

اشاره

فصل دوم: آسیب شناسی اسطوره، جادو و خرافه بر اساس مبانی و ارزش های اسلامی

در این فصل، بر اساس آنچه در مباحث گذشته بیان شد، به آسیب شناسی این موضوع بر مبنای ارزش های اسلامی می پردازیم.

۱. آسیب شناسی وجود اسطوره در باورهای دینی مردم

۱. آسیب شناسی وجود اسطوره در باورهای دینی مردم

رابطه نزدیک اسطوره با مذهب، موجب می شود که اساطیر در عقاید دینی مردم نقش فراوانی داشته باشند، مانند اسطوره اسفندیار یا گرشاسب در اساطیر ما که با ادیان قدیم ایران و از جمله آیین زرتشت پیوستگی دارند. اگر مذهب، مجموعه باورها و رفتارهای متکی بر آن باورها باشد که هدفش بیان مبدأ و مقصد انسان و سعادت انسان در این راه است، اسطوره ها، «الگوهای» لازم را برای بودن و رفتار کردن به دست می دهند. اسطوره بیانی نمادین دارد؛ یعنی شعر گونه است، بدین معنا که عقل، احساس و عاطفه که در آن به هم تنیده اند، به کمک هم گویای حقیقتی است که تفسیر کننده انسان بدوی از واقعیت است. تنها تفاوت اسطوره و شعر در این است که اسطوره همیشه نمادین است و در نتیجه، همواره با ساختار اجتماعی و نقش اجتماعی پردازنده و شنونده یا مصرف کننده آن ارتباط دارد. همچنین از آنجا که آدمی بیان اساطیری را در قالب زبان می ریزد و آدمی از دو جهت ــ هم در زبان و هم در عمل ــ الگوپذیر و الگودار است، شعر، اسطوره الگو دارد و آن طرح ها تابعی از ساختار اجتماعی و زبانی انسان است.

در واقع، راوی اسطوره، پردازنده آن است؛ مانند جادوگر یا شاعر، ولی با این دو تفاوت دارد. رابطه شعر و شاعر روشن است، ولی راوی اسطوره ممکن است مبتکر و پردازنده آن باشد یا تنها تکرار کننده آن، ولی در کارکرد او تفاوتی نیست؛ زیرا مجموعه عقل و احساس را یک جا تحت تأثیر قرار می دهد.

آنچه از سیره و روایات ائمه علیهم السلام استفاده می شود، این است که در فرهنگ و تمدن اسلامی، به شدّت با چنین جریانی مقابله شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است وقتی از امام در مورد این آیه شریفه پرسیدند که «وَالشُّعراءُ یَتبعُهمُ الغَاوُنَ؛ گمراهان از شاعران پیروی می کنند». امام علیه السلام در پاسخ فرمود که اینان قصه گویانند. در روایت دیگری نیز وارد شده است که خداوند قصه گویان را لعنت می کند.(۱)

آنچه ازاین روایات و مانند آنها بر می آید، این است که شیوه قصه گویان و داستان سرایان را که با حکایت های دروغین و تخیلی و موهوم، احساسات و عواطف مردم را تحریک می کنند و قدرت اندیشه را از مردم می گیرند، تأیید نمی کنند و با آن به مقابله برخاسته اند؛ زیرا آنچه در اسلام مهم است، اندیشه و خردورزی است و بیشترین سفارش را در آیات و روایات در این باره می توان دید. اگر هم داستانی در قرآن بیان شده، در حقیقت، بیان رویدادهای تاریخی و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

واقعیتی است که به این می انجامد تا انسان ها به اندیشه در آنها بپردازند. پس در حقیقت، هدف قرآن از بیان این داستان های واقعی، این است که مردم را از امور غیرحقیقی و داستان های توهمی و تخیلی باز دارد و از این راه، فکر و عقل انسان ها را از امور موهوم رها و آزاد کند و به آزادی معنوی برساند. اسطوره ها از یک طرف، با امور موهوم و غیرواقعی پیوند داشته و از طرفی، با احساسات و عواطف مردم سروکار دارند. همین دو امر سبب می شود که مردم از درک واقعیت و حقیقت غافل شوند و به تبع آن، به کمال حقیقی خود نرسند، در صورتی که رسالت پیامبر اسلام، رهایی انسان از هرگونه موانعی است که او را از پیمودن مسیر کمال منحرف می سازد. از این رو، در فرهنگ اسلامی که از سیره ائمه علیهم السلام سرچشمه گرفته، به شدّت با داستان سرایی و اسطوره سازی که مبتنی بر افسانه و امور موهوم است، مقابله می شود و مردم را به اندیشیدن در امور واقعی و حقیقی دعوت می کنند.

۲. آسیب شناسی وجود خرافه و توتم پرستی در باورهای دینی مردم

۲. آسیب شناسی وجود خرافه و توتم پرستی در باورهای دینی مردم

گرایش به امور خرافی، جادو و توتم پرستی، از ابتدای تاریخ زندگی بشر در میان فرزندان حضرت آدم وجود داشته است و همواره عوامل گرایش انسان ها به این گونه امور، مورد توجه جامعه شناسان و روان شناسان بوده است. آنها در این زمینه نظریه های مختلفی ارائه داده اند که نقطه مشترک بیشتر سخنانشان، این است که علت گرایش آدمیان به خرافه پیش از عصر پیشرفت علم و کشف علت های بسیاری از حوادث و پدیده ها، جهل انسان ها به علل پیدایش پدیده هاست.

این گرایش به امور خرافی در جوامعی که دین در آن حاکم است؛ در میان مردم متدین رنگ دینی گرفته است. در فرهنگ اصیل اسلامی که مبتنی بر سیره ائمه علیهم السلام است، با این گرایش و جریان مخالفت شده است و در این زمینه روایات زیادی داریم که به برخی از آنها اشاره می کنیم تا ثابت شود برخلاف عقیده بعضی که معتقدند دین، گرایش های خرافی را تأیید می کند و آنها را پرورش می دهد، هرگز چنین نیست و این سخن بعضی ها که معتقدند اساس و ریشه دین امور خرافی است، سخنی بی پایه و اساس است.

گفتنی است هدف اسلام، آزادی معنوی بشر از چنگال جهل و خرافه است. از این رو، چون در زمان ائمه علیهم السلام نجوم احکامی(۱) مرسوم بود، ائمه علیهم السلام با این جریان مقابله کردند چنان که در روایات متعددی آمده است پیامبر صلی الله علیه و آله از نجوم نهی می فرمود.(۲)

همچنین در زمینه سحر و جادو، در روایتی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ساحر و جادوگری را که مسلمان است، بکُشید، ولی جادوگری که کافر است، کشته نشود. کسی می پرسد: چرا جادوگری که کافر است نباید کشته شود؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ می فرماید: «زیرا شرک بزرگ تر از سحر است

۱- نجوم احکامی، به آن گونه ستاره شناسی گفته می شود که براساس وضعیت قرار گرفتن ستاره ها، خوب و زشت بودن کارها و روزها را تعیین می کردند.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۴۳.

و سحر و شرک با هم نزدیک هستند». در روایات دیگری نیز ساحر و جادوگر مورد لعنت قرار گرفته اند.(۱) شاید علت مخالفت پیامبر و ائمه علیهم السلام با جادو و جادوگری این است که اگر کسی به سحر و جادو اعتقاد داشته باشد، اراده موجودی غیر از خداوند را در به وجود آمدن پدیده ها دخیل می داند و در حقیقت برای خداوند شریک قایل شده است. چون شرک یکی از موانع توجه انسان به علت حقیقی اشیا و کوشش برای نزدیکی به خداوند است و در نتیجه، انسان مشرک به کمال حقیقی خود نمی رسد، دین اسلام با سحر و جادو مخالفت کرده است.

همچنین در زمینه پیش گویی و قیافه شناسی روایاتی به همین مضمون وارد شده است که به نمونه ای از آن اشاره می شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین وارد شده که هر کس پیش گویی کند یا برای او پیش گویی کنند، از دین محمد صلی الله علیه و آله خارج شده است. در روایت دیگری از پیامبر وارد شده که هر کس جادوگر یا پیش گو را تصدیق کند و کار و گفتار آنها را صحیح بداند، به آنچه از طرف خداوند در کتاب قرآن نازل شده، کافر گشته است.(۲)

بر اساس آنچه از روایات به عنوان شاهد بیان شد و نیز از روایاتی که در کتاب های معتبر روایی موجود است، روشن می گردد که سیره و روش ائمه علیهم السلام در مخالفت شدید با امور خرافی مانند فال زدن و جادوگری بوده است و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.

به هیچ وجه این گونه امور را تأیید نمی کردند؛ زیرا با توحید و روح خداشناسی که باید در جوامع اسلامی حاکم باشد و در پرتو آن، انسان به کمال حقیقی خود نایل شود، منافات دارد. برای نمونه، قرآن کریم می فرماید:

و کلُّ انسانٍ اَلْزَمناهُ طائِرَهُ فی عُنُقِهِ و نُخْرِجُ لَهْ یَومَ القِیامَهِ کتاباً یَلقاهُ منشوراً.

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم و روز قیامت کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود گشوده می بیند.

علت اینکه برای فال بد کلمه «طائر» به کار برده شده، این است که در میان عرب، فال بد را بر اساس پرنده می گرفتند؛ یعنی برخی پرنده ها (مثلاً ـ جغد) را شوم می دانستند. بنابراین فال بد زدن را هم تَطَیُّر می نامند. پیامبر با کمال صراحت فرمود: «رُفِعَتْ عَن امتی الطَّیَّره؛ در امت من تطیر وجود ندارد».(۱) خود ایشان اشیا و امور را به فال نیک می گرفت و هیچ وقت فال بد نمی زد و می فرمود: «چون فال بد زدی، برو و اقدام کن و چون ظن و گمان داشتی، قضاوت نکن». امام صادق علیه السلام این مطلب را با بیان مفصل تری تفسیر کرده و می فرماید:

تطیّر چیزی است که اگر سخت بگیری، بر تو سخت می گیرد و اگر راحت بگیری، بر تو آسان می گیرد و اگر اعتنا نکنی، می بینی هیچ چیز نبوده است. مسئله تطیر و فال بد زدن، به هر عنوانی در اسلام محکوم است و در سراسر آموزه های اصیل اسلامی، کلمه ای موافق آن پیدا نمی کنیم.

یکی از چیزهایی که در میان ما رسم است، این است که وقتی می خواهیم

۱- شیخ صدوق، خصال، ص ۴۱۷.

به خانه جدید برویم یا ماشین یا چیز جدیدی بخریم، گوسفندی قربانی می کنیم. در روایت داریم که «نَهَی النبیُّ صلی الله علیه و آله عن ذبائح الجنّ»(۱) از این سخن معلوم می شود که نام این کار ما در قدیم «ذبائح الجن» بوده است. سپس توضیح داده شد که ذبایح جن؛ یعنی شخصی هنگامی که خانه ای می خرد یا چشمه ای را استخراج و جاری می کند یا امثال این کارها را انجام می دهد، گوسفندی را می کشد برای آنکه جلوی شومی و نحوست را بگیرد. [اکنون ما به جای آن می گوییم از ترس چشم زخم مردم]که اگر این کار را نکند، جن ها می آیند و زیان می رسانند. پیامبر نیز این عمل را باطل دانست و از آن نهی کرد. همچنین نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی می خواست به مسافرت برود، می فرمود:

خدایا! هیچ نحوستی نیست، مگر نحوستی که تو بخواهی و هیچ خیری نیست، مگر خیری که تو بخواهی و هیچ خدایی جز تو نیست و کسی جز تو نیکی ها را محقق نمی کند و گناهان را از بین نمی برد و هیچ تغییر و تبدیل و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به وسیله خداوند بلند مرتبه و بزرگ.(۲)

از آنچه گذشت، این مطلب روشن می شود که تا چه اندازه سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام براساس مبانی خداشناسی است و با هرگونه شرک مانند فال بد زدن مخالفت می کردند.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۰۰.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۵.

فصل سوم: شیوه های اصلاح باورهای خرافی

اشاره

فصل سوم: شیوه های اصلاح باورهای خرافی

بر اساس مباحث پیشین پرسشی که اکنون مطرح می شود، این است که چگونه می توان باورهای خرافی را اصلاح کرد؟ به عبارت دیگر، راهکارها و شیوه های اصلاح اعتقادهای خرافی چیست؟ از آنجا که امور خرافی به اعتقاد و اندیشه مربوط می گردد، یکی از مهم ترین شیوه های مبارزه با امور خرافی، شیوه های فرهنگی است. از این رو، اکنون به راهکارهای اجرایی و برنامه های فرهنگی می پردازیم.

بدون شک، یکی از راه های رشد و ارتقای جامعه، بالا بردن سطح فرهنگ آن است. بر همین اساس، نهادهای فرهنگی در این زمینه نقش مهمی ایفا می کنند. بدین معنا که این نهادها از یک طرف، با تزریق فکرهای نو و جدید و بیان حقایق از یک طرف، محیطی مناسب را برای جست وجوی عالمانه و به دور از تعصب فراهم می کنند. از طرف دیگر، ذهن افراد جامعه را برای ابراز عقیده و بحث در مورد عقایدی که در جامعه وجود ندارد، آماده می کنند. پس نهادهای فرهنگی باید به دو وظیفه اساسی توجه کنند: یکی اینکه محیطی مناسب برای جست وجوی عالمانه و پرسش ها و چون چراها در مورد عقاید

عوامانه یا حتی عالمانه فراهم آورنـد و دیگر اینکه با تزریق افکار درست و منطقی در مورد مسائل گوناگون، افراد جامعه را از انحرافی باز دارند که در پی گسترش روحیه انتقادی به وجود می آید. سیره و روش ائمه علیهم السلام نیز این چنین بوده است؛ زیرا بر اساس آنچه از کتاب هـای روایی اسـتفاده می شود، این بزرگواران راه را برای انتقـاد بـاز گذاشـته بودنـد، به گونه ای برخی افراد خدمت ایشان می رسیدند و اساسی ترین اصول دین، مانند توحید را زیر سؤال می بردند و با ائمه علیهم السلام به بحث و مجادله می پرداختند. با این حال، آنان با سعه صدر، با بیان حقایق به طور مستدل و منطقی، به شبهه ها و انتقادها پاسخ می دادند و جایی برای شـبهه آفرینی باقی نمی گذاشـتند. بدین وسـیله به پیروان خود می آموختند که نباید هر سخنی را بدون دلیل پـذیرفت و باید به دنبال دلیل منطقی هر عقیده ای بود و اگر آن عقیده در عقل و فطرت انسان سـلیم ریشه ای ندارد، باید آن را کنار گذاشت. عقاید خرافی یکی از عقاید رایج در جوامع است که در بررسـی سیره ائمه علیهم السلام بیان شد. وظایف نهادهای فرهنگی جامعه را بدین گونه می توان تبیین کرد.

۱. مراکز تعلیم و تربیت

۱. مراکز تعلیم و تربیت

مراکز تعلیم و تربیت ماننـد مدارس و دانشـگاه ها می توانند نقش اساسـی و مؤثری در اصـلاح عقاید مردم ایفا کنند؛ زیرا افراد جامعه، به هر حال بخشـی از عمر خود را در این محیط ها می گذراننـد و تحت تأثیر محیط آموزش خود قرار دارند. ازاین رو، مراکز تعلیم و تربیت بـا بیـان بی اساس بودن عقایـد خرافی و اعتقادهای حقیقی به صورت مسـتدل و منطقی، به این نکته اشاره می کنند که

حقیقت امور به دست خداوند بوده و به وجود آمدن پدیده ها تحت تأثیر علت های حقیقی خود است. این شیوه، راهی است برای اصلاح باورهای خرافی جامعه.

۲. نهادهای مذهبی

۲. نهادهای مذهبی

وظیفه نهادهای مذهبی را می توان در دو زمینه بررسی کرد:

الف) حوزه های علمیه

بدون شک، حوزه های علمیه و عالمان دینی در این زمینه نقش مهمی را به عهده دارند. توده مردم که دارای عقاید مذهبی هستند، به عالمان دین به عنوان کسی نظر می کنند که می توان از سخنان و رفتار او الگو گرفت و او را عین دین و مذهب می دانند. ازاین رو، روحانیان _ که سنگربانان اعتقاد مردم هستند _ باید حقایق را به درستی و بر پایه عقل و منطق صحیح برای مردم، بیان و از مسائلی که موجب وهن دین و عقاید دینی است، پرهیز کنند.

ب) مساجد

یکی از راه های نشر و تبلیغ و تبیین عقاید دینی، بهره گیری از مساجد است. عالمان دینی در سنگر مساجد می توانند با بیان عقاید ناب دینی که از هر گونه شایبه موهوم و خرافی بودن یا مبالغه در گفتار و مداحی بی اساس به دور باشد، عقاید توده مردم را اصلاح کنند.

۳. رسانه های گروهی

۳. رسانه های گروهی

الف) مطبوعات

یکی از راه های گسترش عقاید خرافی و موهوم، انتشار آنها در مطبوعات یا نگارش داستان های خرافی در قالب رمان و قصه است که مؤثرترین راه نفوذ در قشر کودک و حتی بزرگ سال به شمار می رود. با توجه به این موضوع، مطبوعات می توانند با بیان داستان های تاریخی، اصیل و مستند، عقاید خرافی را اصلاح کنند.

ب) صدا و سیما

بدون شک، بهترین راه نفوذ در توده مردم، بیان مفاهیم دلخواه در قالب نمایش و فیلم است. بر این اساس، صدا و سیما در میان اقشار مختلف مردم نفوذ بسیاری دارد، به ویژه رادیو که تقریباً هر شخصی به طور مداوم با آن سروکار دارد و عمومی ترین وسیله ارتباط جمعی است؛ زیرا هر فردی ــ چه در اوقات فراغت و چه هنگام کار ــ می تواند به راحتی از آن استفاده کند. کارگزاران برنامه های این دو وسیله ارتباط جمعی باید به این نکته توجه داشته باشند که در برنامه های خود، از قهرمان سازی، افسانه سرایی و اسطوره سازیِ مبتنی بر امور باطل و خرافی، بپرهیزند و حقایق را همان گونه که هست، عرضه کنند.

فصل چهارم: شبهه های مربوط به دین، اسطوره، جادو و خرافه

فصل چهارم: شبهه های مربوط به دین، اسطوره، جادو و خرافه

شبهه های موجود در این موضوع را می توان براساس مبانی هم رفتی آنها به دو دسته جامعه شناختی و روان شناختی تقسیم کرد؛ زیرا این شبهه ها زمانی به وجود آمد که صاحب نظران این رشته ها خواستند دین را به عنوان نهادی از نهادهای اجتماع یا ابعادی از روان آدمی مورد بررسی قرار دهند. بر همین اساس، نظر آنان درباره عوامل گرایش به دین و کارکردهای آن، به این دو جنبه ــ یعنی جامعه شناسی و روان شناسی ــ برمی گردد. در اینجا به برخی از مهم ترینِ شبهه ها اشاره می شود.

شبهه نخست ــ عقاید دینی زاده خرافه و جهل بشر است.

منشأ این دیدگاه، تحلیل های روان شناسی و جامعه شناسی است که معتقدند ذهن بشر سیری تکاملی داشته و در مراحل مختلف حیات خود متحول شده است. بر اساس این دیدگاه، چون بشر در ابتدای زندگی خود در این جهان، به علت بسیاری از پدیده ها و حوادث آگاهی نداشته، برای توجیه و تبیین آنها، به امور فرا طبیعی پناه برده است.

براساس نظریه تکاملی، عصر دینی به پایان رسیده است؛ زیرا دین معلول جهل علمی بشر است و با گسترش علوم مختلف، علت بسیاری از پدیده ها از نظر طبیعی روشن شده است. ازاین رو، جهل علمی بشر پایان یافته و تاریخ مصرف دین گذشته است. این گروه از اندیشمندان معتقدند که تمام کارهای

انسـان هـا در طول تاریـخ و در مکـان هـای مختلف مشـابه یکـدیگر است. فرآورده هـای متفـاوت از فرهنـگ های گوناگون، محصول عقلا‌نیت عمومی و مشترک انسـان هاست. بر اساس این اصل، تنوع فرهنگ ها دلیل بر این نیست که انواع مختلفی از فرهنـگ هـا وجود دارد، بلکه فرهنـگ های مختلف را بایـد در مقیاس تکامل گنجانـد و برخی از آنها را حالت ناقص و برخی دیگر را حالت تکامل یافته دانست؛ یعنی همه فرهنگ ها را بایـد در مقیاس درجه بنـدی شـده ارزیابی کرد. در این مقیاس، هر فرهنـگ، تکامل یافته فرهنگ قبلی است. براساس الگوی تکامل عقلانی، در طول تاریـخ و در مسـیر تکامل فرهنگ ها همواره بایـد چیزهایی باقی بماند. به عبارت دیگر، اگر در یک فرهنگ برخی از عناصـر را پیشـرفت ناپذیر فرض نکنیم، نمی توانیم از تکامل سـخن بگوییم. برخی از عناصـر فرهنگ ها، یعنی برخی از رسوم و عقایـد خرافی در طول زمان باقی می مانند. انسان ها در گذشـته های دور گمان می کردند که با هر عطسه، شیطانی از بدن بیرون می آید. از این رو، پس از عطسه دعا می کردند. امروزه گرچه چنین اعتقادی وجود ندارد، ولی رسم دعا کردن پس از عطسه هنوز باقی مانده است. بر همین اساس برای توجیه و تبیین ادیان مختلف، لازم است به عنصـر عام و مشترکی که در همه ادیان وجود دارد، توجه شود. این عنصر مشترک و مهم، «اعتقاد به موجودات روحانی یا مجرد» است که در تمام ادیان ابتـدایی و پیشـرفته یا بزرگ و کوچک وجود دارد. خود ماده به عنـوان چیز بی اثری پنداشـته می شـود که در معرض اراده خـارجی یـک عامـل فراطـبیعی است. اعتقـاد به عوامـل فراطـبیعی یا خـدایی برای تمـام موجـودات عـالم طـبیعت تعمیم داده می شود. در آغـاز، بـاور بر این است که در هر درخت بلوطی، روحی جای

گرفته است و از آنجا که همه درختان یکسان هستند، چنین نتیجه گیری می شود که بایـد روحی وجود داشته باشد که حاکم بر همـه درختـان است. بـدین ترتیب، مفهـوم خـدای جنگـل و خـدایان دیگر شـکل می گیرد. در این مرحله چنـد خـداپرستی، مجموعه خدایانی پیدا می شوند که با قدرت تأثیرگذاری بر جهان و انسان ها مورد پرستش و توسل قرار می گیرند. در مرحله بعدیِ رشد عقلانی بشر، نوبت به تک خداپرستی می رسد که با شکل گیری دین های بزرگ جهانی و پدیداری سازمان های مذهبی خاص مانند کلیسا نمایان می شود.(۱)

نقد شبهه ــ صاحبان این اندیشه، هیچ دلیلی بر اینکه منشأ دین، جهل علمی بشر است، ارائه نمی دهند؛ در حقیقت، پیش فرض باطل آنان این است که ممکن نیست ادیان پیشین بشر، منشأ عقلانی داشته باشند. پس به ناچار باید از جهل بشر ناشی شده باشند. این پیش فرض هیچ گاه اثبات نشده است. همچنین این اندیشمندان معتقدند چون انسان های ابتدایی خواستار تفسیر حوادث طبیعی بودند، ولی رشد علمی لازم را نداشتند، این حوادث را از راه باورهای دینی تبیین می کردند. این مطلب هم پذیرفتنی نیست که دین داران، با جای گزینی تبیین دینی به جای تبیین علمی، همان معامله را با تبیین های دینی می کردند که قرار بود با قوانین علمی کنند. ساحت دین از اساس با عرصه علم

۱- جامعه شناسی دین، صص ۳۹ و ۴۰.

تفـاوت دارد. البته ممکن است دانشـمندی از راه قوانین علمی، حادثه ای را تبیین کنـد و در عین حال، تبیین دینی هم برای این حادثه داشته باشد.

مهم ترین ایراد دیـدگاه کسانی که معتقدنـد دین مولود جهل بشـر است، این است که این دیـدگاه صـرفاً نظریه پردازی بوده و هیچ گونه دلیل یا مستندی در طول تاریخ حیات بشـری برای اثبات این مدعا وجود ندارد، چنان که برخی از جامعه شناسان بر این مسئله تأکید می کنند.

شبهه دوم ــ دین تحت تأثیر اسطوره هاست و داستان های موجود در قرآن، اسطوره ای هستند.

گروهی از اندیشـمندان بر این باورنـد که اسـطوره و دین بـا هم سازگـاری دارنـد و در حقیقت، عقایـد دینی از اسـطوره هـای گذشـتگان تـأثیر پـذیرفته است. به عبـارت دیگر، عقایـد دینی در اسـطوره های گذشـتگان ریشه دارد. دلیل صاحب نظران این است که بشـر از گذشـته هـای دور، همواره به دنبـال تفسـیر و تـبیین حوادث بوده و در این تفسـیرها بیشتر علت هـای فراطبیعی پدیده ها را در قالب داسـتان ها و اسـطوره ها بیان کرده است، چنان که بسیاری از اسطوره ها، چگونگی پیدایش آدمی را بیان می کننـد. در این اسـطوره ها، با توجه به تاریخ شـکل گیری آنها، انسان از گیاه و گل یا چیز دیگری پدید آمده است. در این اساطیر، انسان از گل ساخته و در کوره خورشـید پخته می شود. نخستین نوع اسطوره ها، مربوط به عصر کشف رمزهای کشت و نوع دوم در خصوص کشف سـفال است، ولی هر یک به شکلی، ذات یگانه انسان، پیوستگی زن و مرد و اصالت یکسان هر دو را نشان می دهند. این اسـطوره ها، در عین حال پاسخ گوی کنجکاوی انسان در شـناخت منشأ خویشتن و اسرار ازل هستند که

آدمی همواره تشنه گشودن آنها بوده است.(۱)

دسته دیگری از اسطوره ها، پاسخ گوی مسائل ابدی هستند. در این اسطوره ها، مرگ و به عبارت دیگر، پایان زندگی توضیح داده می شود. نکته ای که در این باره مهم به نظر می رسد، این است که اسطوره های مرگ و زندگی، فلسفه حیات انسانِ پیش از تاریخ هستند و انسان با آنها خود را تفسیر می کند و به خود به عنوان حلقه ای مهم در زنجیره حیات، معنا می بخشد. زندگی انسان در زاد و مرگ خلاصه نمی شود. هر یک از مراحل پدیده های زندگی، اسطوره ای دارند؛ زیرا انسان از روزی که زبان یافته، در پی تفسیر جهان و یافتن جای خود در آن بوده است. طلوع خورشید و آمدن روز، غروب، شب، خورشید، ماه، ستارگان، آسمان، درخت، آب، کوه و دیگر پدیده های طبیعی باید جای خود را در نظام دانش و فلسفه انسانِ بدوی پیدا کنند و در اندیشه او تفسیر شوند. برخی صاحب نظران معتقدند آنچه در متون دینی مقدس در مورد کیفیت آفرینش بشر و مرگ و جاودانگی او آمده، با توجه به پیشرفت هایی که در علوم طبیعی و تجربی رخ داده، اسطوره ای و موهوم است و هیچ حقیقتی را بیان نمی کند.

نقد شبهه ـ این دیدگاه مبتنی بر این پیش فرض است که با پیشرفت علوم طبیعی در زمینه تفسیر و تبیین حوادث طبیعی، نیازی به تبیین های فراطبیعی

۱- علی حصوری، «کارکرد اجتماعی اسطوره»، مجله جامعه سالم، ش ۹، خرداد ۱۳۷۲، صص ۳۸ ـ ۴۰.

نیست. تبیین ها و تفسیرهای دینی مبتنی بر اموری هستند که از راه حس و تجربه قابل اثبات نیست. هر چه با حس و تجربه قابل اثبات و ابطال نباشد، موهوم است و چون اساطیر، افسانه هایی موهوم و غیر واقعی هستند، آنچه در ادیان در مورد عالم طبیعت و شکل آفرینش آمده است، داستان های اسطوره ای و افسانه هایی هستند که منشأ آنها، جهل بشر به علت ها و عوامل پدید آورنده حوادث است.

پاسخ اشکال یاد شده این است که علوم تجربی با همه پیشرفت هایی که داشته اند، هنوز نمی توانند تمام پدیده ها را تبیین کنند. همچنین محدوده وجود و زندگی بشر، به عالم طبیعت خلاصه نمی شود و افزون بر ابعاد طبیعی، ابعاد فرا طبیعی مانند روح دارد که از قلمرو علوم تجربی خارج است. گزاره ها و آموزهای دینی نیز در حقیقت به ساحت روحانی بشر مربوط است.

سخن دیگر اینکه داستان های قرآن در مورد پیامبران، حکایت گر وقایع تاریخی و بیان کننده حقایقی است که در امت های گذشته اتفاق افتاده است و داستان هایی موهوم و غیر واقعی نیست. خلطی که از طرف این اندیشمندان در معنا و مفهوم اسطوره شده است، به بیان این نظریه انجامیده است؛ زیرا همان گونه که در تعریف اسطوره گفتیم، این واژه دو معنا دارد: یکی، به معنایی است که به داستان های کنایی گفته می شود و معنای دیگر اسطوره، مبتنی بر اصطلاح قرآنی است که به افسانه های موهوم می گویند. تفاوت این دو اصطلاح در آن است که اسطوره به معنای اول، عبارت است از داستان هایی که به صورت کنایی و تمثیلی، امور اخلاقی و تربیتی را بیان می دارند و در عین حال، از یک واقعه و حادثه تاریخی حکایت می کند. در مقابل، معنای دوم، از هیچ حقیقتی

حکایت نمی کند، مانند داستان هایی که در مورد جنّ و پری و دیو در کتاب های داستانی وجود دارد یا افسانه هایی که داستان سرایان در مورد موجودات خیالی می سازند و از قوه تخیل انسان ها، سرچشمه می گیرد.

شبهه سوم ـ مناسک مذهبی، در توتم پرستی و تابو ریشه دارد.

یکی از شبهه های مطرح شده درباره دین این است که سرچشمه مناسک مذهبی، توتم پرستی و تابو است. کسانی که این نظریه را ارائه داده اند، بیشتر نگاهی تکامل گرایانه در مورد دین و اعمال مذهبی داشته اند. مهم ترین نظریه پردازان این فرضیه، دورکیم و ماکس وبر از میان جامعه شناسان و فروید از میان روان شناسان هستند که پیش تر نظریه های این اندیشمندان را به طور مختصر نقد و بررسی کردیم. به عنوان نمونه، دورکیم، باورهای دینی را ـ براساس توتمیسم ـ این گونه تفسیر می کند که عبادت توتم، چیزی غیر از پرستش جامعه نیست. او اعتقاد به وجود ارواح را همان اصل توتمی می داند، که در ذهن افراد جامعه نفوذ کرده است. به طور طبیعی، افراد جامعه در ورای این توتم ها، به نیرویی قاهر و بی نام و نشان می اندیشند و این نیرو را در درون خود می یابند. این نیروی بی نام و نشان، روح و همان کلان است که درونی شده است و یکایک افراد، این کلان را در درون خود می یابند. اگر روح همان کلان و جامعه در درون افراد است، پس باید وظیفه اش این باشد که نیازهای جامعه را برای افراد نمایان سازد. روح، وجدان فرد و همان صدای کلان در درون اوست که وظایف شخص را نسبت به گروه معین می کند. بدن هم در نقطه مقابل روح، نیازها و خواسته های فردی شخص را اظهار می کند که

معمولاً با نیازها و خواسته های اجتماعی تعارض دارد. بدن چون با این امور شخصی و فردی سروکار دارد، به قلمرو غیرمقدس مربوط می شود و دین چون نیازهای اجتماعی را بازتاب می دهد، به قلمرو مقدس اختصاص دارد.(۱)

دورکیم، بقای روح را نتیجه رشد و تکامل توتمیسم می داند. او چنین بیان می دارد که معنای بقای روح این است که گرچه افراد کلان و جامعه می میرند، ولی کلان و جامعه به حیات خود ادامه می دهند. ارواح گذشتگان هم بخش هایی از گذشته کلان است که تا زمان حاضر باقی مانده اند و به همراهِ افراد زنده وجود دارند. هر فرد دو روح را می یابد؛ یکی در باطن خود که همان کلان است که درونی شده و دیگری روحی برتر؛ یعنی روح گذشتگان که ناظر بر اوست تا وظایفش را انجام دهد. این ارواح در طول زمان، نیرو و شخصیتی مرموز می یابند. با این توضیح، نظریه بقای روح نیز از عبادت توتم ها ناشی می شود.(۲) آنچه در مرحله ای از جوامع به عنوان پرستش خدایان می بینیم، از پرستش توتم ها ناشی می شود.

گفتیم که مفهوم روح و بقای آن از توتمیسم سرچشمه می گیرد. به تدریج، این ارواح به نیروهایی شخصی و مرموز تبدیل می شوند که بر سرتاسر پیکر جامعه و افراد تسلط دارند. به طور خلاصه، می توان گفت که همین مفهوم روح

۱- درآمدی بر منشأ دین، ص ۱۰۹.

۲- درآمدی بر منشأ دین، ص ۱۱۰.

و بقای آن، به تدریج، به عبادت و پرستش خدایان تبدیل می شود؛ زیرا این ارواح که بقا هم دارند، به صورت نیروهای شخصی و مرموز درآمده اند که بر تمام شئون زندگی افراد احاطه دارند. پس پرستش خدایان، از رهگذر اعتقاد به وجود ارواح گذشتگان و نیاکان پیدا می شود که خاستگاه آن نیز توتم پرستی است.

از نظر دورکیم، مراسم عبادی، احساسات و عواطف دینی هستند که نخستین بار در مراسم جمعی کلان برای افراد به وجود می آید، نه در حالت های فردی، او میان باورها و اعتقادهایی که در توتمیسم وجود دارد با مراسم عبادی، تفاوت قایل می شود. به نظر دورکیم، باورها و اعتقادها در توتمیسم اهمیت ندارد، ولی اعمال و مراسم عبادی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. هسته اصلی زندگی کلان، همان احساسات و عواطف هستند که در مراسم عبادی برای افراد کلان رخ می دهد، نه باورها و اعتقادهایی که در حاشیه قرار دارند. همین اعمال و مراسم، مقدس هستند و هدف از آنها این است که وجدان جمعی کلان، رشد یابد، با یکدیگر ارتباط وسیعی داشته باشند و از غیرمقدس جدا شوند.(۱)

نقد شبهه ــ یکی از مشکلات این نظریه آن است که با رابطه اخلاقی میان تمام انسان ها که در ادیان مختلف بر آن تأکید شده، ناسازگار است. در

۱- درآمدی بر منشأ دین، صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

آموزه های تمام پیامبران بزرگ و عالمان دین، بر این نکته تأکید شده است که خدا تمام انسان ها را دوست دارد و آنها را به زندگی مسالمت آمیز دعوت می کند. این اصل اخلاقی جهان شمول است؛ یعنی تمام ادیان الهی، انسان های مختلف با نژادهای گوناگون را در حکم اعضای جامعه واحدی می دانند. براساس تحلیل دورکیم، خدا و دیگر مفاهیم دینی بازتاب نیازهای جامعه اند. اگر این گونه مفاهیم، بازتاب جامعه های خاصند، چگونه این ادیان ناظر به کل جهان انسانی هستند؟ به عبارت دیگر، براساس نظر دورکیم، دین ندای گروه در راه حفظ امتیازهای خاص گروهی است. بنابراین، ممکن نیست دین و احکام آن، به کل بشر نظر داشته باشد. ندای خدا، ندای گروه می شود و از طرف دیگر، در ادیان، ندای خدا ناظر به گروه ها نیست، بلکه به تمام انسان ها نظر دارد.

اشکال دیگری که بر نظریه دورکیم وارد است، این است که براساس نظریه دورکیم، مفهوم خدا، نماد جامعه است. پس اگر اعضای جامعه به حقیقت نداشتن مفهوم خدا و نبودن مصداق عینی آن پی ببرند، این مفهوم دیگر نیرویی نخواهد داشت. پس در صورت آگاهی یافتن انسان ها از این نکته، جامعه دیگر نخواهد توانست از این مفهوم به نفع خود بهره برداری کند، ولی واقعیت بر خلاف این بوده است. دین داران اعتبار مفهوم خدا را با جامعه مربوط نمی دانند و با وجود این گونه تحلیل ها، باز با اعتقاد به چنین موجودی، افعال اخلاقی خود را انجام می دهند.(۱)

۱- درآمدی بر منشأ دین، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

اشکال دیگر این است که پیامبران و رهبران دینی، همیشه در جهت خلاف فضای حاکم اجتماعی بوده اند. افزون بر این، چنین کسانی همیشه احساس کرده اند که از تأیید الهی برخوردارند و پیش از هر زمان دیگری، به او نزدیک هستند. اگر خدا صرفاً جامعه ای در لباس مبدّل باشد، در این صورت، پیامبر نمی تواند از تأیید الهی برخوردار باشد یا احساس تقرب بیشتری کند.

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

از آنجا که موضوع دین، اسطوره، خرافه و جادو با عقاید توده مردم، ارتباط محکمی دارد، نقش رسانه در این زمینه حساس و مهم است. حساسیت موضوع از آن جهت است که در عقاید توده مردم، موضوع های خرافی، جادویی و اسطوره ای با دین عجین شده اند و جدا کردن عناصر خرافی و جادویی از دین، بسیار مشکل است. به عنوان نمونه، مسئله هفت سین شب عید و قرار دادن قرآن در سفره هفت سین به عنوان نمادی از مذهب و دین یا مراسمی مانند کف بینی، آینه بینی، گره گشایی و باطل کردن طلسم آدابی دارند مانند ذکر اوراد و کلمه هایی که در ظاهر، خاصیت جادویی دارند. ترکیب آیات قرآن با این اعمال می تواند نشان از نوعی ترکیب آرای مردم با مذهب باشد. رسانه گسترده ای مانند صدا و سیما می تواند در شناخت حقایق دینی و زدودن عناصر خرافی و اسطوره ای نقش مهمی داشته باشد. ازاین رو، در این بخش، نقش رسانه را در مورد این موضوع ها مورد بررسی می کنیم.

۱. نقش رسانه در پیدایش خرافه و اسطوره سازی

۱. نقش رسانه در پیدایش خرافه و اسطوره سازی

با توجه به گستردگی و تأثیر رسانه صدا و سیما در میان توده مردم، این رسانه می تواند از راه نمایش، قطعه ادبی و حتی گفتار ساده، بر مخاطبان خود تأثیر گذارد و مفاهیم مورد نظر خود را به آنها انتقال دهد. پس صدا و سیما به راحتی می تواند عقاید خرافی و اسطوره ای را در قالب فیلم های داستانیِ هیجان آور یا مستند در میان توده مردم انتشار دهد و راهی برای ترویج و تبلیغ

این گونه عقاید باشد. ساخت فیلم «زورو»، نماد نجات بخشی جامعه از دست ستم کاران؛ نشان دادن یهودیان و امریکاییان به عنوان ملت های منجی بشر و اسطوره های صبر و مقاومت و مبارزه با دشمنان آسمانی؛ گنجاندن عقاید خرافی غربیان در قالب فیلم های زیبا و جذّاب و تهیه فیلم هایی درباره تأثیر نیروهای فراطبیعی مانند جن و شیطان در افکار و جسم انسان ها، نمونه هایی از تکاپوی رسانه های غربی برای گسترش فرهنگ اسطوره ای شان در جهان به شمار می رود. در این اواخر، سریالی با عنوان «داستان های باور نکردنی» از تلویزیون پخش می شود که در همین راستا گام بر می دارد. با کمی دقت در محتوای فیلم هایی که در دو دهه اخیر ساخته شده و برخی از آنها از تلویزیون کشور ما نیز پخش گردیده است، در می یابیم که عقاید خرافی از قبیل اعتقاد به بسته شدن بخت یا گره گشایی ترویج شده است. با بررسی برنامه ها و فیلم هایی که شخص یا اشخاصی را به عنوان الگو و اسطوره معرفی کرده اند، می توان به نقش رسانه در ایجاد خرافه و اسطوره در عقاید توده مردم پی برد.

۲. نقش رسانه در اسطوره زدایی و خرافه ستیزی

۲. نقش رسانه در اسطوره زدایی و خرافه ستیزی

بدون شک، همان گونه که رسانه صدا و سیما در ترویج عقاید خرافی و اسطوره ای در میان توده مردم نقش مهم و اساسی بازی می کند، به راحتی می تواند با ساختن برنامه ها و فیلم های جذّاب، در جامعه خرافه زادیی کند. رسانه صدا و سیما به دو شیوه می تواند اسطوره زدایی و خرافه ستیزی کند: یکی از راه ساختن برنامه هایی براساس پژوهش های عالمانه که در آن، عقاید خرافی و اسطوره ای نقد و بررسی شود. شیوه دیگر، ساختن فیلم های جذّاب و زیبایی است که این عقاید را در قالب طنز مورد نقد و ایراد قرار می دهند. زبان

طنز، مؤثرترین زبـانی است که نفوذ فراوانی در میـان مردم دارد و می توان به وسـیله این گونه برنـامه هـا، آثـار سوء و ویرانگر عقایـد خرافی را برای افراد جامعه ــ از هر قشـری که باشـند ــ بیان کرد. در نتیجه، با تخریب چهره عقاید خرافی راه برای بیان عقاید ناب دینی و حقایق مذهب باز می شود.

۳. نقش رسانه در ترویج اندیشه ناب دینی

۳. نقش رسانه در ترویج اندیشه ناب دینی

از آنجـا که انـدیشه ناب دینی مبتنی بر فطرت سـلیم انسان هاست، قلب مردم برای پـذیرش عقایـد دینی آمادگی فراوانی دارد. البته مطلب مهم، روش انتقال این معارف است. ترویـج انـدیشه ناب دینی، از مصـداق های امر به معروف و دعوت مردم به راه هدایت و رستگاری به شما می رود. پس انتخاب روش مناسب برای بیان این معارف، بسیار مهم است.

۴. نقد و بررسی عملکرد رسانه

۴. نقد و بررسی عملکرد رسانه

عملکرد رسـانه در ترویـج انـدیشه دینی، از جهت اینکه برنـامه هـایی بـا تکیه بر پژوهش هـای صاحب نظران ساخته انـد (مانند میزگردهـا و گفت و گوهـای تخصصـی)، تـا انـدازه ای مناسب است، ولی از جهت هنری ماننـد ساختن فیلم ها و سـریال های داسـتانی، ضـعف دارد. گفتنی است وقتی برنامه سازان از جنبه هنری و نمایشـی فیلم هایی می سازند، در بسـیاری موارد دین و خرافه بـا یکـدیگر تلفیـق می شونـد و در نـتیجه، چهره نامنـاسبی از دین نشـان داده می شود. به عنوان نمونه، مؤمنـان را افرادی خرافاتی نشان می دهند که در ذهن خود، الگوهایی غیرواقعی، موهوم و اسـطوره ای می سازند و در اوهام و تخیل زندگی می کنند.

۵. پیشنهاد کلی برای برنامه ریزان

۵. پیشنهاد کلی برای برنامه ریزان

به برنـامه ریزان در سـطح کلاـن پیشـنهاد می شود سـیاست کلی خود را در سـاخت برنـامه بر اساس تفکیک و جـدایی دین از خرافه و اسـطوره بنا نهند. آنها باید دین را در قالب فیلم های جذّاب و زیر نظر صاحب نظران دین شناس که با حقایق ناب دین آشنایی دارند، به مردم معرفی کنند و از این راه، مردم را بیشتر به دین، ترغیب و از عقاید خرافی و جادویی دور سازند.

۶ . پیشنهادهای برنامه ای

۶ . پیشنهادهای برنامه ای

بـا تکیه بر متون اصـیل اسـلامی، به ویژه روایات و سـیره ائمه علیهم السـلام حقایق ناب اسـلام به مردم ارائه شود. بـدون شک، روایات و سیره ائمه علیهم السلام بیان کننده حقایق ناب دینی بوده و از هرگونه عقاید خرافی تهی هستند؛ زیرا هدف این اسوه های تاریخ، رساندن انسان ها به کمال حقیقی است و این هدف با خرافه سازگاری ندارد. به عبارت دیگر، تلاش برنامه سازان بایـد در راسـتای پرهیز از عوام زدگی باشـد؛ زیرا عوام زدگی و مـدّ نظر قرار دادن خواست و اراده عوام، مـانع از بیان حقایق و موجب انحراف در دین است. بنـابراین، کسـانی که برنـامه هـای ارشادی و تبلیغی می سازنـد، بایـد نسـبت به مسائل یاد شـده، نگرشـی عالمانه داشـته باشـند و این نگرش عالمانه را همراه با هنرمندی به عوام مردم انتقال دهند تا از این راه، گامی در جهت ارتقـای سـطح فرهنـگ جـامعه برداشـته شود. لازمه رویکرد عالمانه به دین، پرهیز از مـداحی و برخوردهای عوامانه است؛ زیرا یکی از عوامل اسطوره سازی، همین رویکردهای عوامانه به شمار

می رود.

سخن پایانی

سخن پایانی

بر اساس آنچه بیان شد، روشن می شود دین حقیقتی دارد که از خرافه، جادو و اسطوره جداست. البته برخی از اندیشمندان غربی با دیدی الحادی و علمی ــ که مبتنی بر فرضیه های علوم تجربی است ــ کوشیده اند. برای دین نیز مانند دیگر عناصر و امور طبیعی، علتی بیابند. برخی آن را به عنوان بعدی از ابعاد روح و روان انسان یا نهادی از نهادهای اجتماعی بررسی کرده و با ارائه تبیین های جامعه شناختی یا روان شناختی از دین، به نوعی، به رویکردی تکامل گرایانه معتقد شده اند. ازاین رو، آنها دین را نوع پیشرفته ای از عقاید خرافی، جادویی یا اسطوره ای پنداشته اند. در مورد رویکرد تکامل گرایانه باید گفت که این رویکرد مبتنی بر پیش فرض قرار دادن نظریه تکاملی داروین در علوم طبیعی است. البته با آنچه گذشت، روشن شد که ریشه و اساس دین، مبتنی بر پذیرش وجود خداست و در حقیقت، دین برنامه ای از طرف خداوند برای رشد و تکامل انسان هاست. ائمه علیهم السلام هم در سیره و زندگی خود، چهره ای روشن از دین ارائه داده اند و به شدت با افکار و عقاید خرافی و جادویی و اسطوره سازی مبارزه کرده اند. آنها بدین وسیله اعلام کرده اند که نباید دین را با عقاید خرافی و اسطوره ای تلفیق کرد، اگرچه این عقاید موجب پذیرفتن دین از طرف مردم شود؛ زیرا این عقاید، در عرف و عوام مردم جایگاهی بسیار محکم دارد و اگر عقیده ای براساس خواست و اراده عوام بیان شود، احتمال پذیرش آن نیز بیشتر خواهد شد.

برخلاف رفتار برخی از اندیشمندان؛ پیامبران و ائمه علیهم السلام همیشه برخلاف

توده های مردم و فضای حاکم بر جامعه عمل کرده اند و هدف خود را رشد و تکامل و سعادت حقیقی انسان ها قرار داده اند. ازاین رو، به شدت با هر عقیده خرافی که مانع این هدف است، مقابله کرده اند. در این میان، صدا و سیما ــ که یکی از عوامل مهم رشد و ترقی فرهنگ جامعه است ــ باید هدف خود را رشد و ارتقای سطح فرهنگ جامعه قرار دهد و از ستایش های مبالغه آمیز که موجب اسطوره سازی می گردد یا عقاید خرافی که به نوعی به انحراف جامعه از مسیر حقیقی دین می انجامد، به شدت پرهیز کند؛ زیرا انسان با وجود داشتن قوه فکر و تظاهر به استقلال عمل، کم و بیش تحت تأثیر اعمال دیگران است. علاقه مندان به اصلاح جامعه می توانند با بهره گیری صحیح از این صفت روانی انسان ها، به راحتی کار هدایت بشر را به عهده گیرند. هدایت بشر دو راه دارد: یکی، از راه گفتن و نوشتن و دیگری، از راه پیش قدم شدن در رفتار عملی. در مقایسه این دو با یکدیگر باید گفت که: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست.» علت اینکه آموزه های پیامبران تا اعماق روح انسان ها نفوذ می کند، این است که آنها پیش از تقاضای عمل از دیگران، خود به آن عمل می کنند. سخن از زبان بیرون می آید و از گوش می گذرد، ولی عمل، موجی در روح دیگران پدید می آورد. از این رو، بیشتر مردم به سخن اهمیتی نمی دهند، ولی در مقابل شخص حق پیشه، خاضع و به او علاقه مند هستند. امام علی علیه السلام فرمود:

میدان حق برای سخن گفتن، وسیع ترین میدان هاست، ولی برای عمل کردن،

تنگ ترین میدان است.(۱)

ایشان در مورد خود نیز می فرمود:

ممکن نیست شما را به کار نیکی امر کنم، مگر آنکه پیش تر آن کار نیک را انجام داده باشم و ممکن نیست که شما را از کار زشتی نهی کنم، مگر آنکه خودم در ترک آن کار، پیش قدم شده باشم.(۲)

به طور کلی صدا و سیما می تواند به صورت عملی و در قالب نمایش، به راحتی بسیاری از عقاید دینی را به مردم نشان دهد و در آنها تأثیر گذارد و توده های مردم را به راه دین و حقایق دینی هدایت کند. نکته دیگری که برنامه سازان باید به آن توجه کنند، این است که آیا هدف، وسیله را توجیه می کند؟ گروهی از به ظاهر دین داران، با بهره گیری از حدیث «هرگاه اهل بدعت را دیدید،... آنها را محکوم کنید»،(۳) می گویند: پس برای محکوم کردن بدعت گذار، می توان از هر وسیله ای استفاده کرد و در این راه، دروغ و تهمت هم جایز است. آنها این را نیز به صورت قانون در می آورند که شما برای تبلیغ دین هم می توانید از هر وسیله دروغینی استفاده کنید. بعضی هم در مورد قصه های قرآن می گویند که این قصه ها در تاریخ ثبت نشده است، پس واقعیتی

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷؛ مرتضی مطهری، حکمت ها و اندرزها، صص ۲۲۲ _ ۲۲۶.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

ندارد و قرآن چون هدفش تعلیم بشر بوده، از دروغ به صورت تمثیل استفاده کرده است.

در پاسخ به این پرسش و شبهه باید گفت که مگر چند سال است که تاریخ ثبت شده است و آیا اصلاً همه وقایع تاریخی به ثبت رسیده اند؟ کتاب هایی که ما اکنون در دست داریم، از سه هزار سال پیش به ما رسیده است و بقیه از نظر تاریخ مسکوت مانده اند. ازاین رو، پیش از آن سه هزار سال را «ما قبل تاریخ» می گویند. پس آنها استدلالی برای کلامشان ندارند و محال است قرآن، معصومان علیهم السلام و حتی تربیت یافتگان آنها برای هدف مقدس، از امر غیر حقیقی حتی تمثیل وار استفاده کنند. همچنین در سیره معصومان علیهم السلام مواردی کاملاً خلاف این سوء استفاده دیده می شود؛ برای مثال، به امام علی علیه السلام پیشنهاد می شد که مدتی کاری به کار معاویه نداشته باش تا پس از تثبیت جایگاه، یک مرتبه از کار برکنارش سازی، ولی آن حضرت مخالفت می کرد؛ زیرا به نظر امام، وسیله نیز باید مقدس باشد. همچنین در سیره پیامبر می بینیم که ایشان از غفلت مردم برای تثبیت ایمان آنها به خدا و رسولش استفاده نمی کنند. در واقعه کسوف پس از فوت فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، مردم فکر کردند که این هماهنگی عالم بالا به خاطر حزن پیامبر بوده است. اگر پیامبر سکوت می کرد، چه بسا ایمان مردم قوی تر می شد، ولی آن حضرت از نقطه ضعف مردم برای تبلیغ دین سود نجست و برای مردم توضیح داد که چنین نیست. بی دینی کردن به نفع دین،یکی از راه های آسیب زدن به دین است. کسی که به خیال خود به نفع دین دروغ می گوید، در حقیقت، به نفع دین،

بی دینی می کند و این مسئله در سیره معصومان علیهم السلام کاملاً مطرود است.(۱) بر این اساس، برنامه سازان باید توجه داشته باشند که از هر شیوه ای هر چند ناصحیح و دروغین نباید برای هدف خود که تبلیغ حقایق دینی است، استفاده کنند.

۱- مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی صلی الله علیه و آله ، صص ۱۱۷ _ ۱۳۹.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آرون ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، مترجم: باقر پرهام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۲. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، قم، سعید بن جبیر، ۱۳۷۶.

۳. جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت اللّه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳.

۴. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.

۵. حسین زاده، محمد، مبانی معرفت دینی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹.

۶. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه، پاییز ۱۳۷۹.

۷. دانیل، بیتس، انسان شناسی فرهنگی، مترجم: محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۵.

۸. ریترز، جورج، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، مترجم: محمد ثلاثی، انتشارات علمی.

۹. سامی النشار، علی، نشات الدین، مرکز الانماالحضاری، الطبعه الاولی ۱۹۹۵.

۱۰. شیخ صدوق، خصال، دارالکتب الاسلامیه.

۱۱. شیخ کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه.

۱۲. عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت.

۱۳. عبده، شیخ محمد، المنار، تقریر رشید الرضا، ج ۴.

۱۴. علامه طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۵. فروند، ژولین، جامعه شناسی ماکس وبر، مترجم: عبدالحسین نیک گهر، تهران، رایزن، ۱۳۶۸.

۱۶. فروید، زیگموند، آینده یک پندار، مترجم: هاشم رضی، تهران آسیا، ۱۳۵۷.

۱۷. ________________، توتم و تابو، مترجم: ایرج پور باقر، تهران، انتشارات آسیا، ۱۳۶۲.

۱۸. ________________، مفهوم ساده روانکاوی، مترجم: فرید جواهر کلام، چاپ دوم،

سازمان کتاب های جیبی، ۱۳۴۶.

۱۹. فنایی، ابوالقاسم، درآمدی بر فلسفه دین و کلام جدید، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۵.

۲۰. قائمی نیا، علیرضا، درآمدی بر منشأ دین، نشر معارف.

۲۱. کاسیر، ارنس، فلسفه و فرهنگ.

۲۲. کولمن، سایمون، واتسون، هان، درآمدی بر انسان شناسی، مترجم: محسن ثلاثی، نشر سیمرغ.

۲۳. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، مترجم: منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۳.

۲۴. مالرب، میشل، انسان و ادیان، مترجم: مهران توکلی، نشر نی.

۲۵. مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت.

۲۶. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.

۲۷. ______________________، پانزده گفتار، انتشارات صدرا.

۲۸. ______________________، حکمت ها و اندرزها، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.

۲۹. ______________________، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.

۳۰. ______________________، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۷۱.

۳۱. ______________________، فطرت، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۷۴.

۳۲. ______________________، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۴، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.

۳۳. مورنو، آنتونیو، یونگ، خدایان و انسان مدرن، مترجم: داریوش مهرجویی، نشر مرکز، ۱۳۷۶.

۳۴. میرچا الیاده، رساله در تاریخ ادیان، مترجم: جلال ستاری، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۳۵. ______________________، مقدس و نامقدس، سروش، تهران.

۳۶. ناس، جان، تاریخ جاید ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

۳۷. هملیتون، ملکم، جامعه شناسی دین، مترجم: محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.

۳۸. یونگ، کارل گوستاو، پاسخ به ایوب، مترجم: فؤاد روحانی، انتشارات جامی، چاپ اول،

ص:۹۳

.۱۳۷۷

۳۹. ___________________________ ، چهار صورت مثالی، مترجم: پروین فرامرزی، چاپ دوم، انتشارات آستان قدس رضوی.

۴۰. ___________________________ ، روانشناسی ضمیر ناخودآگاه، مترجم: محمدعلی امیری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

۴۱. Pals Daniel/Seven Theories Of religion/ Oxford ۱۹۹۶

نشریه ها:

۱. فصل نامه هفت آسمان، سال سوم شماره یازدهم، پاییز ۱۳۸۰.

۲. کیهان فرهنگی شماره ۱۴۴، مرداد ۱۳۷۷.

۳. مجله جامعه سالم، ش ۹، خرداد ۷۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹